

## نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

ملیحه نیکروش  
علی اکبر جعفری\*

### چکیده

به دلیل آنکه در عصر حاضر، توانمندی در بهره‌مندی از قدرت نرم برای کشورها و بازیگران سیاسی مهم تلقی می‌شود، توجه به زمینه‌ها و بسترهای افزایش قدرت نرم حائز اهمیت است. یکی از منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه، تشیع و وجود علمای شیعه است. به عبارتی دیگر، وجود مذهب تشیع در مناطق پیرامونی کشور ایران و وجود علمای دینی نیز یکی از ظرفیت‌های مناسبی است که زمینه‌های تأثیرگذاری ایران را افزایش می‌دهد. وجود مذهب تشیع، علمای دینی و حوزه‌های علمیه فعال نیز زمینه‌های کنشگری ایران را در کشورهای اسلامی و علی‌الخصوص عراق جدید فراهم می‌آورد و همین عوامل زمینه‌های همبستگی، تعامل چندجانبه و گسترش روابط سیاسی و فرهنگی را به همراه دارد. به هر روی، این مقاله خواهان پاسخ به این سؤال است که؛ مراجع مذهبی و عالمان دینی کشور عراق از چه نقشی در ارتقاء میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور برخوردارند؟ فرضیه اصلی عبارت است از اینکه دیدگاه مثبت مراجع مذهبی در کشور عراق و مخصوصاً شخص آیت‌الله سیستانی نسبت به ایران و روابط مستمر با جمهوری اسلامی ایران، با توجه به جایگاه والای این اشخاص در جامعه عراق از نقشی مثبت در افزایش میزان قدرت نرم ایران در این کشور برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** عراق جدید، قدرت نرم، علمای دینی، مراجع تقلید، جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های علمیه.

---

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید» دفاع شده در دانشگاه مازندران است.

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران  
دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۴  
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: a.jafari@umz.ac.ir

## ۱. مقدمه

قدرت مهم‌ترین مفهوم سامان‌بخش سیاست است (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۴) و بسیاری از سیاست‌شناسان، روابط قدرت را هسته سیاست می‌دانند و می‌گویند آنچه روابط سیاسی انسان‌ها را از دیگر روابط آن‌ها متمایز می‌کند، قدرت است. (عالم، ۱۳۸۳: ۸۹-۸۸) به همین دلیل است که عده‌ای از صاحب‌نظران سیاست تأکید دارند که همه سیاست درباره قدرت است. (هیوود، ۱۳۸۳: ۱۸۱) در گذشته، محققین روابط بین‌الملل، قدرت را بیشتر در شکل‌های اجباری یا ساختاری تحت تأثیر مکتب واقع‌گرایی مطالعه و بررسی می‌کردند (وحیدی، ۱۳۸۶: ۶۹۸) و این برداشت کلاسیک از قدرت، متکی بر قدرت عناصر ملی است که میزان قدرت کشورها بر اساس مسائلی نظیر جمعیت، سرزمین، رفاه مادی و نیروی نظامی محاسبه می‌شود و بر عوامل مادی، بعد اجبار و قدرت نظامی تأکید ویژه‌ای شده است. (Baldwin, 2003:182) اما در دهه‌های اخیر، شاهد یک جابه‌جایی در منابع و نحوه به‌کارگیری قدرت در اشکالی دیگر هستیم (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۵-۴۷) به نحوی که برخی معتقدند امروزه به‌کارگیری اسلحه برای دستیابی به اهداف ملی یا دفاع از آن‌ها از طریق ایجاد نفوذ منفی و سمت‌دهی تحکیم‌آمیز به اعمال سایر دولت‌ها، مشروع نیست. (هالستی، ۱۳۷۳: ۴۷۲) بر این اساس با مراجعه به طیف متنوع آثار موجود در باب قدرت، مشخص می‌شود که توجه به قدرت نرم و منابع عدیده آن، گفتمانی تازه را برای تأمین ارزش‌های یک جامعه شکل می‌دهد و در نتیجه، چهره‌ای تازه از قدرت مطرح می‌شود که دو مشخصه بارز اجتماعی بودن و هنجاری بودن را داراست. (نای، ۱۳۸۹: ۸ و ۹) در نتیجه ضرورت به‌کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی برای رسیدن به منافع و به‌ویژه تحقق ارزش‌ها یا کسب نتایج مطلوب همراه با کاهش هزینه‌های اجرا و رفع تبعات منفی و مخرب به‌کارگیری خشونت، آشکار می‌شود؛ بنابراین، موضوع «قدرت نرم» و «منابع کاربردی» آن، مورد امان‌نظر بسیاری از سیاستمداران و سیاست‌سازان جهانی، خصوصاً در چند سال گذشته قرار گرفته است و در حال حاضر، کارشناسان و متخصصان بسیاری تلاش دارند تا با شناخت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورهای متبوع خویش، مؤلفه‌ها و ابزارهای بالقوه، این نوع از قدرت را در کشور خود شناسایی کرده و سطح کلی اقتدار کشور خویش را ارتقا دهند. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱) جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای شکل‌گیری خود، رویکرد قدرت نرم را همواره مدنظر داشته و در روابط خود با سایر ملت‌ها، به این بُعد مهم از قدرت توجه ویژه‌ای داشته است. در این میان، منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و آسیا، با توجه به اهمیت فوق‌العاده خود و توجه سایر قدرت‌ها به آن، از جایگاه ویژه‌ای در منظر نرم‌افزارانه ایران برخوردار بوده است. (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۲) در محیط امنیتی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، کشور عراق نیز به عنوان عضوی از دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بر محیط امنیتی و سیاسی کشورمان تأثیرگذار بوده و خواهد بود. (برنا

بلداجی، ۱۳۹۱: ۱) در این راستا، در مقاله حاضر، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق، و با توجه به اهمیت بسیار زیاد دین و مراجع مذهبی در دو کشور عراق و ایران، به صورت موردی نقش مذهب و عالمان دینی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. از همین رو، پرسش اصلی این مقاله این‌گونه بیان می‌شود که نقش مراجع تقلید کشور عراق در تقویت جایگاه ایران در اذهان مردم و نزدیکی ایران به اهداف خود در عراق و منطقه خاورمیانه و در نتیجه ارتقای قدرت نرم ایران در عراق چگونه قابل ارزیابی است؟ در پاسخ می‌توان فرضیه‌ای بدین ترتیب بیان کرد که دیدگاه مثبت مراجع مذهبی مخصوصاً شخص آیت‌الله سیستانی نسبت به ایران و روابط مستمر با جمهوری اسلامی ایران، و با توجه به جایگاه والای این اشخاص در جامعه عراق از نقشی برجسته و مهمی در افزایش میزان قدرت نرم ایران در این کشور و دستیابی ایران به اهداف خود در عراق و منطقه خاورمیانه برخوردار است. روش مورد استفاده برای پاسخ به سؤالات از نوع توصیفی - تحلیلی است.

## ۲. معنا و مفهوم قدرت نرم

ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در دو نظریه «هژمونی یا سیطره» گرامشی و «چهره سوم قدرت» استیون لوکس جست‌وجو کرد. استیون لوکس در نظریه قدرت خود با الهام از مطالب گرامشی تصریح می‌کند که در چهره سوم قدرت، قدرت بر فرد یا گروه اعمال می‌شود بی‌آنکه در مورد این اعمال قدرت آگاهی وجود داشته باشد و این کار از راه ایجاد تغییراتی در بستر اعمال قدرت به وجود می‌آید. به عبارتی، فردی که بر او اعمال قدرت می‌شود، به دلیل آگاهی نداشتن از آنچه در بستر اعمال قدرت رخ می‌دهد، گاه تصور می‌کند خود او اعمال قدرت می‌کند. به عبارتی دیگر، جایگاه ایزه و سوژه قدرت عوض می‌شود. در سیطره، گاه فرد از اعمال قدرت هم باخبر است، اما به دلیل رضایت، در برابر آن مقاومت نمی‌کند، اما در چهره سوم قدرت، فرد یا گروهی که بر او اعمال قدرت می‌شود، در زمین حریف و مطابق با قواعد او بازی می‌کند، بی‌آنکه از آن آگاهی داشته باشد. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۰) به هر حال، در اغلب منابع علمی اخیر، پیدایش قدرت نرم را از نظر مفهومی و طبقه‌بندی علمی، به آثار «جوزف نای» نسبت می‌دهند. (ساعد، ۱۳۹۰: ۱۶۴) نخستین بار نای، در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای در نشریه «آتلانتیک» مفهوم قدرت نرم را به شکل نظریه مطرح کرد و در آثار متعدد بعدی به تفصیل آن را مورد بررسی و پردازش قرار داد. وی قدرت را به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌کند؛ در نگاه او، اقتناع، مبنای قدرت نرم و تهدید و اجبار، مبنای قدرت سخت هستند. او قدرت نرم را این‌گونه تعریف کرده است: «توانایی ایجاد خواسته‌ای مطلوب از طریق به‌کارگیری طرح (هنجارها - ارزش‌ها و باورها)، فرهنگ و سیاست خارجی (دیپلماسی) که در مجموع هر یک موجد و مولد جاذبه هستند.» (Nye, 2002: 6)

بنابراین، قدرت نرم به معنای توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران است که بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند و از جنس اقتناع و ایجاد جذابیت بر روی دیگران است که آن‌ها با میل و اراده خود به دنبال کشور برخوردار از قدرت نرم بروند نه با استفاده از قدرت زور و پول که در زمره قدرت سخت محسوب می‌شوند. (جمال‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳۵) به همین دلیل است که قدرت نرم، رفتار همراه با جذابیتی است که قابل‌رؤیت، اما غیرمحسوس است (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۵۶) و ارتباط تنگاتنگی با قدرت‌های بی‌شکل<sup>۲</sup> نظیر فرهنگ، ایدئولوژی و غیره دارد. (نای، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۱) قدرت نرم به‌منابه وجه دوم قدرت، یعنی راه غیرمستقیم به دست آوردن خواسته‌ها. ممکن است کشوری به نتایج مورد نظرش در امور سیاسی جهان از این جهت دست پیدا کند که دیگران ارزش‌هایش را تحسین کرده، آن کشور را الگوی خود قرار دهند؛ بنابراین، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌ها است، به‌گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های نهادی و سیاسی، مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل‌قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد. (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۲)

قدرت نرم به‌طور دقیق، همان نفوذ نیست، زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت نیز باشد. قدرت نرم شامل توانایی‌های جذب کردن است و جذب، اغلب باعث اقدام یا مشارکت همراه با رضایت می‌شود؛ بنابراین قدرت نرم، دارایی‌هایی است که جذابیت تولید می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که قدرت نرم به نوعی، قابلیت شکل دادن به علایق دیگران است. (نای، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴) به عقیده نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع پدید آید؛ فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است)، ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند) و درنهایت، سیاست خارجی (در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد) (نای، ۱۳۸۹: ۵۱)؛ به عبارتی، منابع اصلی قدرت نرم را به دو دسته فرهنگی (اعم از دینی، ایدئولوژیک و آداب و رسوم و غیره) و سیاسی (اعم از نگرش‌ها، ارزش‌ها و سیاست عملی در داخل و خارج) می‌توان تقسیم کرد.

### ۳. سیاست خارجی ایران پس از سقوط صدام

درخصوص رفتار اعلامی و حقوقی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم همه فشارها، تنش‌ها، پیشینه‌ها و تمایلات استراتژیک، در قبال تحولات عراق موضع‌گیری منطبق بر حقوق بین‌الملل را اتخاذ کرد. در بُعد حقوقی و رسمی، ایران در چهارچوب متعارف رفتار بین‌الدولی حرکت کرد. بدین معنی که اولاً هیچ‌گاه اصل اشغال نظامی عراق را مورد تأیید قرار نداد و این نگرش حقوقی، یکی از پایه‌های اصلی رفتار ایران خواهد بود. اشغال نظامی عراق از نظر حقوق بین‌الملل مورد تأیید مراجع ذی‌صلاح جهانی قرار نگرفته است. به عبارتی دیگر، دولت ایران به‌طور مستمر، یک دست و منسجم اشغال را محکوم کرد. ثانیاً، ایران شیوه‌های

یک‌جانبه‌گرایانه اداره بحران بین‌المللی عراق را محکوم کرد. متقابلاً تأکید ایران بر اتخاذ شیوه‌های چندجانبه‌گرایانه و مخصوصاً توجه به سازمان ملل و سازوکارهای موجود در آن بود. ثالثاً، ایران راه‌حل‌های منطقه‌ای و برآمده از درون منطقه را مورد تأکید قرار می‌داد. به خاطر تجربه در اداره بحران بین‌المللی در افغانستان که در آن ایران به عنوان یکی از همسایه‌های افغانستان با مجموعه همسایگان آن کشور و اعضای دائم شورای امنیت، جلسات هماهنگی در چهارچوب فعالیت‌های سازمان ملل متحد داشت، پیوسته از راه‌حل مشابه در مورد عراق حمایت کرده است. در مجموع سه ویژگی «مخالفت با نفس اشغال»، «تکیه بر سازوکارهای چندجانبه با محوریت سازمان ملل» و «تأکید بر راه‌حل‌های منطقه‌ای» عناصر موضع‌گیری حقوقی و رسمی ایران را تشکیل می‌دهند. این مواضع اصولی، جهانی، قابل دفاع و در راستای منافع همه‌جانبه ایران است. (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۱۱) ایران از زمان فروپاشی رژیم بعث و آغاز روند جدید دولت - ملت‌سازی در عراق، اصلی‌ترین حامی منطقه‌ای این روند محسوب می‌شود. ایران از همان آغاز درباره ظهور عراق جدید که به دنبال سقوط رژیم بعث در عراق بر سر کار آمد، نگرش مثبتی داشت. طی سال‌های گذشته و درحالی‌که کشورهای عرب نسبت به نظم جدید در عراق روی خوشی نشان نمی‌دادند، ایران به طرح‌های امریکا برای ایجاد دولت موقت، مجلس موقت، تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات و فراندوم و بسیاری دیگر از مسائل، کمک کرد. جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که شورای حکومتی را به رسمیت شناخت و یک هیئت ویژه سیاسی را به عنوان اولین هیئت رسمی بعد از سقوط صدام و به منظور دیدار با اعضای این شورا به عراق اعزام کرد. کشورهای منطقه بسیار محتاطانه و با رفتاری سرد با این شورا برخورد کردند. (امیرعبدالهیان، ۱۳۸۶: ۲۴۸)

سیاست ایران در عراق بعد از سقوط صدام که بر مبنای مشارکت فعال و سازنده برای کمک به دولت و مردم عراق استوار بوده است، از اهداف و ابعاد متعددی برخوردار است که عمده‌ترین آن‌ها دولت‌سازی بر اساس الگوی دموکراتیک مبتنی بر رأی اکثریت، همکاری با دولت عراق برای ایجاد امنیت و توسعه عراق، افزایش رفاه و اشتغال مردم و همچنین نهادینه‌سازی روابط با ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور است. جمهوری اسلامی ایران حمایت از همه دولت‌های عراق پس از صدام و کمک به آن‌ها را در جهت ایجاد ثبات و امنیت در این کشور، در کانون سیاست خارجی خود قرار داده است. در این راستا، جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های تهدید امنیتی در عراق، برقراری و ایجاد ارتباطات محکم با همه گروه‌های عراقی از جمله شیعه، کرد و سنی و حمایت از آن‌ها در اولویت قرار گرفته است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۷) در وضعیت جدید کشور عراق، فروپاشی رژیم بعث و وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است؛ در واقع، گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به رقابت و همکاری میل کرده است. با توجه به قدرت گرفتن شیعیان در عراق و روابط

مثبت رهبران کُرد و شیعه از بهار ۱۳۸۲، که نقش مؤثری در دولت نوین عراق دارند مناسبات دو جانبه ایران با عراق، روندی مسالمت‌جویانه را طی کرده است. عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده است. (بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

## ۴. منابع قدرت نرم ایران در عراق

جمهوری اسلامی ایران، از منابع قدرت نرم فرهنگی - مذهبی، سیاسی و دیپلماسی عمومی در عراق جدید برخوردار است. همسایگی عراق با کشور ایران، وجود مذاهب اسلامی در دو کشور، آداب و سنت‌های مشترک و مباحثی از این قبیل بسترهای نفوذ و قدرت نرم ایران را در این کشور استراتژیک فراهم آورد است. منابع فرهنگی قدرت نرم ایران در کشور عراق عبارت‌اند از: سابقه حضور امام خمینی (ره) در عراق، ریشه‌های ایرانی کشور عراق، سنت‌ها و عادات‌های تاریخی؛ نظیر نوروز، گسترش زبان فارسی در عراق، فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف ایران به عنوان الگویی برای جامعه چندپاره عراق، موقعیت علمی ایران، سازمان‌های فعال فرهنگی - مذهبی، رواج موسیقی سنتی ایرانی در عراق، انجمن‌های دوستی ایران و عراق، حضور درصد فراوانی از شیعیان در دو کشور، وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آن‌ها و جایگاه والای مرجعیت در دو کشور.

منابع سیاسی قدرت نرم ایران در کشور عراق عبارت‌اند از: مواضع و سیاست‌های اتخاذی ایران بعد از اشغال عراق، سقوط رژیم ضدایرانی بعث، روی کار آمدن شیعیان در عرصه سیاسی، سیمای ضدتروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، مواضع ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر انقلاب‌های ایران (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی) بر جامعه شیعی عراق، احزاب فعال شیعی در عراق، برگزاری راهپیمایی روز قدس در دو کشور، روابط دیپلماتیک و مراودات مقامات حکومتی دو کشور ایران و عراق، مفاد قانون اساسی جدید عراق، کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه ایران به عراق جهت بازسازی ویرانی‌های پس از جنگ و خروج نیروهای مجاهدین از عراق. در حوزه دیپلماسی عمومی نیز مؤلفه‌هایی نظیر دیپلماسی علمی، توریسم مذهبی، برگزاری همایش‌ها و حضور مقامات عالی‌رتبه و نخبگان دو کشور، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در عراق، تأسیس دفتر همکاری‌های علمی و فرهنگی ایران و منطقه کردستان عراق در تهران، انتشار کتب و محصولات نوشت‌افزاری، کانال‌های خبری و رسانه‌ای و مهاجران دو کشور به عنوان سفیران فرهنگی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. با توجه به کثرت منابع قدرت نرم ایران در کشور، در این مجال به صورت موردی نقش علمای شیعه را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهیم.

## ۵. مذهب تشیع، عراق و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از منابع متعدد قدرت نرم در عراق برخوردار است و یکی از مهم‌ترین آن‌ها نیز مذهب تشیع و نقش علما و مراجع مذهبی است که به آن‌ها خواهیم پرداخت. مذهب شیعه، به ویژه در مناطق پیرامونی ایران از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانیان و تلفیق عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی با آن، فرهنگ و هویت تازه‌ای به نام فرهنگ ایرانی - اسلامی خلق شد. این فرهنگ پویا و قوی پشتوانه اتحاد داخلی و هویت بخشی به سرزمین ایران در برابر دیگر کشورها بوده است. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۵) در طول دوران حضور اسلام در ایران، همه نهادهای این ملک از خانواده و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و سیاست، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. حتی جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی و اجتماعی این سرزمین ملهم از این شرایط، یا محتوای مذهبی داشته‌اند یا اگر در محتوای مذهبی نبودند، برای امید به پیروزی و جلب توجه مردم و اخذ حمایت ایشان، به ظاهر مذهبی درآمده‌اند. بدین سان، جامعه ایرانی یکی از کهن‌ترین جوامع مذهبی مشرق زمین است و نظام‌های پایدار زندگی مبتنی بر عقاید دینی در آن ریشه کهن داشته است. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۷۴) از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس زندگی می‌کنند. در این منطقه کشوری که هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیش‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است، ایران است. (احمدی، ۱۳۸۶: ۸) اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلام‌اند و از این حیث جزئی از قلمرو جغرافیای وسیع‌تری به نام جهان اسلام محسوب می‌شوند. بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور ما را مسلمانان تشکیل می‌دهند. (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۲) همچنین، ایران با اکثریت مطلق ۹۰ درصد شیعه که ۶۸ میلیون نفر از جمعیت این کشور هستند، این تعداد بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت شیعه جهان است، قلب ژئوپلیتیک شیعه و مرکز اصلی مذهب شیعه و حمایت از شیعیان تحت لوای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. (Ahmadi, 2010:48) پس از ایران بیشتر شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آن‌ها با ایران پیوستگی جغرافیایی (مرز خشکی یا آبی) دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات عربی متحده، کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به شمار می‌آیند.

یکی از دلایلی که منجر به تأثیرگذاری بیشتر قدرت نرم ایران در عراق می‌شود، وجود اکثریت شیعه در دو کشور است. در محیط عراق، تشیع از کوفه در قرن دوم و سوم به بغداد انتقال یافت و در قرن چهارم با اوج گرفتن اهمیت کربلا، نجف و کاظمین، و حمایتی که آل بویه از تشیع کردند، تشیع در بخش‌های بیشتری از مرکز عراق به ویژه بغداد گسترش یافت. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱) شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین

گروه شیعه در جهان عرب به شمار می رود. حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند که اکثر آن ها عرب اند، ولی شمار اندکی کرد، ترکمن یا فارس های عرب شده را نیز در بر می گیرند. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۳) اگر کسی شیعیان را به حساب نیاورد، قوم عرب در این کشور از ۱۸ درصد تجاوز نمی کند. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۳) شیعیان در مناطق جنوبی عراق و عمدتاً در بصره، نجف و کربلا مستقر هستند و در بغداد هم حضور دارند. در آخرین سرشماری هایی که برای انتخابات پارلمانی در عراق برگزار می شود روشن شد که بخشی عظیم از جمعیت بغداد را شیعیان تشکیل می دهند. همچنین شیعیان عراقی بر عناصر بنیادین زیر متکی هستند: عرب بودن، شیعه بودن، اکثریت نسبی در عراق (۵۵ تا ۶۵ درصد) و وقوف جغرافیایی آن ها بر مهم ترین بخش عراق یعنی جنوب این کشور با دو ویژگی: نفت خیز بودن منطقه جنوب عراق نسبت به سایر مناطق عراق و اهمیت ژئوپلیتیکی جنوب عراق نسبت به سایر مناطق به لحاظ دسترسی به آب های آزاد. (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) علاوه بر این موارد، تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلیتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است و همین امر زمینه های نفوذ ایران را در ژئوپلیتیک شیعی عراق ارتقا بخشیده است و بر میزان هم گرایی میان دو کشور مؤثر بوده است.

## ۶. حوزه های علمیه و قدرت نرم ج.ا.ایران در کشور عراق

با توجه به مطالب ذکر شده، ایران و عراق از جمله کشورهای جهان اسلام محسوب می گردند که بیش ترین میزان جمعیت شیعه را در خود جای می دهند. حضور اکثریتی شیعیان در دو کشور ایران و عراق موجب افزایش نقش حوزه های علمیه در دو کشور و همچنین روابط مستحکم فی مابین حوزه های علمیه در طول تاریخ شده است.

در میان حوزه های علمیه شیعه، حوزه نجف اشرف از جایگاه والا و اهمیت ویژه ای برخوردار است. فتوای مشهور آیت الله میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نقش مؤثر علمای نجف در انقلاب مشروطیت و رهبری قیام ۱۹۲۰ علیه بریتانیا توسط آیت الله محمدتقی شیرازی و اخیراً نیز نقش مهم علما در جنگ امریکا علیه این کشور از جمله مهم ترین رویدادهایی است که حوزه نجف را در تاریخ معاصر به شهرت ویژه ای رسانده است. (دادفر، ۱۳۸۹: ۹۷) حوزه علمیه نجف یکی از مظاهر تمدن اسلامی به حساب می آید و نقش عظیمی در توسعه تمدن اسلامی داشته است. نجف، مرکز مراجع تقلید شیعیانی بود که در سرزمین های مختلف اسلامی به سر می بردند و از دیرباز از کشورهای مختلف، برای تحصیل علوم اسلامی به آن جا سفر می کردند. شمار طلاب علوم دینی در این شهر از ده هزار نفر تجاوز می کرد و جهان تشیع از آنان و طلاب دیگر، معارف و فرهنگ دینی خود را به دست می آورد. حوزه نجف اشرف به مرور به بزرگ ترین و جامع ترین حوزه علمی تبدیل شد که در تاریخ هزارساله آن، عالمان و

مجتهدان فراوانی در آن پرورش یافتند. (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵) عالمانی همچون، میرزای شیرازی، پرورش صدها مجتهد را بر عهده داشتند. مرحوم آخوند محمدکاظم خراسانی از شاگردان میرزای شیرازی در تحولات علمی این حوزه نقش بسزایی داشتند. سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین اصفهانی، حاج آقا ضیاءالدین عراقی و حاج آقا حسین بروجردی سالها از محضر وی بهره‌مند شدند که خود پس از آخوند خراسانی از علما و مراجع گران‌قدر شیعه به شمار می‌آیند. پس از فوت مرحوم آخوند خراسانی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله طباطبایی یزدی دو تن از بزرگان علمای نجف در مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود شرکت می‌کردند و نقش مهمی در تحولات آن زمان عراق و ایران داشتند. آیت‌الله سید محسن حکیم و آیت‌الله خویی دو تن از فقها و مراجع بزرگ شیعه هستند که در تکاپوی علمی و فرهنگی نجف اشرف نقش بسزایی را ایفا کردند، و پرورش صدها مجتهد را بر عهده داشتند. امام خمینی نیز با هجرت به نجف اشرف و پانزده سال تدریس و پرورش صدها مجتهد و عالم، همگام با مبارزات و روشننگری‌های سیاسی و اجتماعی که بر ضد رژیم استبدادی پهلوی انجام می‌داد، نقش مؤثری در پایه‌گذاری بینش سیاسی، اجتماعی در حوزه‌های علمیه قم و نجف داشت. (پسندیده، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۶) ایشان مفهوم ولایت‌فقیه را طی یک سلسله دروس حوزه‌ای در زمینه حکومت اسلامی که در سال ۱۹۷۰ در نجف ایراد شد، بسط و گسترش دادند. (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) حاج آقا مصطفی خمینی نیز در این دوران تدریس در حوزه علمیه را بر عهده داشتند. ایشان یکی از چهره‌های علمی و فقهی حوزه نجف بود. (امیری، ۱۳۸۵: ۱۷) حوزه گران‌قدر نجف اشرف در جوار بارگاه امام علی (ع) با پرورش هزاران مرجع تقلید، مجتهد، عالم و فقیه وارسته و بزرگ، نقش مؤثری در پرورش و تربیت مراجع و مجتهدان عالی‌قدر و بزرگی همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی داشته است و در واقع حکومت اسلامی ایران، ثمره هزاران سال تلاش خستگی‌ناپذیر حوزه‌های بزرگ شیعه به‌خصوص حوزه علمیه نجف اشرف است. (پسندیده، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۶)

حوزه علمیه قم در ایران نیز به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دینی و در میان حوزه‌های علمیه اسلامی در گستره جهان، به‌خصوص در حوزه‌های علمیه شیعی، اهمیت بسزایی دارد. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها، چهره‌ها و روحانیون فرهیخته و آزاداندیش، اثر و نقش چشم‌گیری در حفظ، رشد و درخشش اسلام در جهان داشته است. دوره جدید شکوفایی حوزه قم با حضور آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری شروع شد که سهم بسیار بزرگی در احیای تمدن اسلامی دارد؛ به گونه‌ای که هم اکنون هیچ حوزه‌ای در جهان تشیع به عظمت آن نمی‌رسد و هزاران دانشمند و طالب علم از سراسر جهان، در آن به تعلیم، تدریس و تحقیق مشغول هستند. (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۸) ایران بعد از انقلاب نیز به‌طور طبیعی نقش‌آفرینی خود را برای پذیرش مسئولیت رهبری دنیای تشیع آغاز کرد. شهر قم به مرکز پویای تحولات انقلاب و تشیع

تبدیل شد. علاوه بر وجود اماکن مذهبی و زیارتی به ویژه حرم حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران، حضور بیشترین تعداد مراجع تقلید در قم، این شهر را در مرکز توجه شیعیان جهان قرار می‌دهد. به تدریج مساجد، کتابخانه‌ها، نهادها، مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش دینی متعددی در این شهر تأسیس شد و تعداد زیادی از دانشجویان علوم دینی از داخل و خارج از کشور برای تحصیل رهسپار قم شدند. (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۴) حوزه‌های علمیه در تکمیل علوم و اطلاعات خود از یکدیگر بی‌نیاز نبودند و به این ترتیب، رفت‌وآمد بین حوزه‌ها با یکدیگر برای افاده و استفاده به عنوان یک سیره علمی متداول شد. (زهره کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۳) بر همین اصل، از گذشته‌های دور ارتباطاتی قوی بین این دو حوزه برقرار بوده است که این امر می‌تواند موجبات نفوذ بیشتر ایران در عراق را فراهم کند.

در سال‌های بعد از فروپاشی رژیم بعث و اشغال عراق، به‌رغم تصورات اولیه درخصوص رقابت نجف و قم، روحانیون ارشد دو حوزه علمیه صادقانه و با صمیمیت نسبت به یکدیگر رفتار کردند. البته حمایت علمای ایران از شیعیان عراق و علمای نجف نیز متقابلاً در روابط گرم دو جانبه مؤثر بوده است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۲) در واقع، وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه همزیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است. (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۱۱۴) ارتباطات موجود میان دو حوزه همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد علاوه بر این که نقش مؤثری در گسترش زبان فارسی دارد، منجر به آشنایی طلاب با فرهنگ و حکومت ایران می‌شود. آنان از نزدیک واقعیت‌های جامعه ایران را درک می‌کنند و هنگامی که به جامعه خویش برمی‌گردند همانند مبلغ عمل می‌کنند و می‌توانند معرف فرهنگ و جامعه ایران برای سایر مردم کشور خویش باشند و این آشنایی بر نفوذ و قدرت نرم ایران در عراق تأثیر مثبتی دارد.

## ۷. مراجع و عالمان دینی کشور عراق

ماهیت مرجعیت به دلیل تمرکز بر روی عقاید مذهبی، آن هم مذهبی که دقیقاً خارج از چهارچوب نژادی و قومی قرار دارد، آن را تبدیل به یک امر فراملی کرده است. این یک اصل اساسی در مرجعیت مذهبی است و اختصاص به تشیع ندارد. شاهد این امر وضعیت گذشته و حال مرجعیت شیعه است که گاه یک ایرانی - مانند مرحوم خویی - و گاه یک عرب - مانند مرحوم حکیم - توانسته در میان عرب و عجم نفوذ چشمگیر داشته باشند. (جعفریان، ۱۳۸۴: ۵۱) در طول تاریخ زمانی مرجعیت یا زعامت واحد شیعه برای شیعیان دو کشور ایران و عراق وجود داشت. برای نمونه می‌توان به فتوای تاریخی آیت‌الله سید محمدحسن شیرازی مرجع تقلید وقت و رهبر جنبش تنباکو اشاره کرد. (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۱۰) مراجع با اجتهاد و پاسخ به مسائل مستحدثه و معرفی اسلام ناب محمدی (ص) به عنوان نیروهای نخبه، متخصص،

متعهد، خلاق و هوشمند از مؤلفه‌های قدرت نرم به شمار می‌آیند. هدف اصلی مراجع شیعه در طول تاریخ اسلام همواره احیای دین و هدایت مردم بوده، اگر تلاش علما و مراجع نبود، دین رونق کنونی را نداشت. (متقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰) مفهوم مرجعیت دینی و لزوم اطاعت از مجتهد جامع‌الشرایط، دقیقاً از مبانی فقهی و کلامی شیعه نشأت گرفته است. بر اساس روایت‌های فراوان از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) با آغاز دوره غیبت کبری، مسئولیت رهبری مذهبی شیعه بر عهده فقها و علمای واجد شرایط قرار گرفت. (رشاد، ۱۳۹۰: ۳۱) مراجع با توجه به جایگاه والای خود در جوامع شیعی، حتی هنگامی که قدرت را در اختیار نداشته‌اند، دارای نفوذ سیاسی چشمگیری بوده‌اند و شیعیان در مسائل مختلف همچون ناسازگاری با حکومت، جهاد، تشکیل گروه‌های سیاسی و موارد دیگر به آنان مراجعه می‌کرده‌اند. (محقق، ۱۳۸۹: ۵۶)

در انقلاب ۱۹۲۰، در جریان اشغال عراق، شیعیان این کشور، تحت رهبری مراجع و روحانیون شیعی - که اکثراً ایرانی بودند - تلاش گسترده‌ای به منظور کسب استقلال و خروج اشغالگران از کشور کردند. تاریخ دهه‌های نخست قرن بیستم در عراق، با مبارزاتی که به رهبری مراجع ایرانی ساکن در عتبات برای استقلال از بریتانیا انجام گرفت، پیوندی تنگاتنگ دارد. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۰۱) انقلاب ۱۹۲۰ عراق به رهبری آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی برابر انگلیسی‌ها بود که قصد داشتند عراق را یکسره انگلیسی - هندی کرده، استقلال آن را از میان ببرند. انقلاب مجتهدان شیعه و توده‌های شیعه در جنوب گرچه شکست خورد، اما انگلیسی‌ها را از دسترسی به اهداف اصلی‌شان باز داشت. و به این امر اکتفا کردند تا دولتی به رهبری یک عرب به صورت تحت‌الحمایه خود روی کار آوردند. در قیام ۱۹۲۰ مجتهدان شیعه برابر درخواست بریتانیا برای تحت‌الحمایه کردن عراق و گذاشتن یک حاکم انگلیسی موضع گرفته و فتوای جهاد دادند. هدف مجتهدان به رهبری میرزا محمدتقی شیرازی، ایجاد یک دولت عربی با امیری یکی از فرزندان شریف حسین و با وجود مجلس شورای ملی بود. این چیزی بود که از آن به عنوان حکومت اسلامی هم یاد می‌شد. (جعفریان، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۸)

دوران مرجعیت آیت‌الله سید محمدباقر صدر، پس از وفات آیت‌الله حکیم (۱۳۹۰ق/۱۹۷۰م) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند. به همراه علامه سید مرتضی عسکری، سید محمد مهدی حکیم و حاج محمدصادق قاموسی در سال ۱۹۵۸ حزب دعوت اسلامی را تأسیس کردند. حزب دعوت اسلامی توانست در مقابل تشکل‌های ضددینی بایستد و ده‌ها هزار نفر از علاقه‌مندان را به خود جذب کند. از سال ۱۹۶۸ و ظهور حزب بعث بود که حزب به فعالیت خشونت‌آمیز متوسل شد، زیرا سیاست‌های غیرمذهبی دولت را ضد اسلامی می‌دانست. فروختن گوشت خوک، کنترل مدارس مذهبی به واسطه دولت، جلوگیری از انتشارات مذهبی، ممانعت از تعمیر مساجد و تعقیب و آزار روحانیت شیعه از جمله نموده‌های این سیاست‌ها بود. در این دوران آیت‌الله صدر در عراق نقشی را بر عهده گرفت که امام خمینی (ره) در ایران عهده‌دار بود.

این دو روحانی عالی‌قدر علاوه بر سال‌ها هم‌نشینی، مصاحبت و رفاقت، دیدگاه‌های مشترک نیز داشتند، که خود عاملی برای نزدیکی دو کشور ایران و عراق بود. (عطازاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) از نظر شهید صدر همانند امام خمینی (ره)، نه تنها تعارضی اجرایی میان دین و سیاست وجود ندارد، بلکه سیاست در ذات دین نهفته و بخشی از آن است و بدین لحاظ بخشی جدایی‌ناپذیر نیز از وجود انسانی است. از نظر صدر، اسلام به‌طور فطری مکتبی انقلابی و سیاسی است و سیاست و انقلاب ریشه در ذات آن دارند. (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۱۸۱) در عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ م دیری نپایید که رژیم بعث با اعمال مختلف چهره واقعی و هویت الحادی خود و دیدگاه‌های کینه‌توزانه و خصمانه‌اش را علیه دین آشکار کرد. این حزب سعی کرد با در اختیار گرفتن منابع و امکانات عراق برای نابودی اسلام و ریشه کن ساختن آن از دل مردم عراق استفاده و اندیشه‌های میشل عفلق، عیسی و سایر فراماسونرها و صلیبی‌ها را جایگزین آن کند. در واقع حزب بعث به‌شدت به مبارزه با اسلام برخاست. شهید صدر نیز همانند امام خمینی (ره) درصدد مقابله با این وضعیت برآمد. شهید صدر به تلاش‌هایی عمیق روی آورد تا هم آتش کمونیسم را خاموش سازد و هم دین‌ستیزی‌های استعمار را بی‌اثر کند. وی با نگارش دو کتاب ارزشمند و جهانی «فلسفتنا» و «اقتصادنا» هر دو جنبه تهاجم را هدف قرار داد و در این دو کتاب در حقیقت خط بطلانی بر جهان‌بینی و افکار مادی و ماتریالیستی شرق و غرب کشید. (عطازاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳) اما برخلاف امام خمینی (ره)، آیت‌الله صدر در غلبه و استیلای گفتمان حکومت اسلامی خود بر گفتمان بعثی، به دلیل سرکوب شدید حزب بعث و درنهایت شهادت ایشان، نتوانست به عنوان سوژه‌ای آزاد عمل کند و گفتمان حاکم را دگرگون کند.

سرنگونی صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از آن، موجب ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است. در همین راستا، مرجعیت شیعه که همواره از جایگاه و نفوذ گسترده‌ای در بین شیعیان برخوردار بوده است، در این دوره نقش بسیار تأثیرگذاری در دولت‌سازی عراق ایفا کرده است. سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ فرصتی را در اختیار شیعیان قرار داد تا با توجه به اکثریت جمعیتی و محرومیت آن‌ها از مشارکت در حکومت در زمان رژیم بعث، زمام امور را به دست گیرند که در نتیجه این کسب قدرت سیاسی شیعیان، قدرت مراجع دینی چون آیت‌الله سیستانی نیز افزایش یافت. آیت‌الله سیستانی یکی از فقها و مراجع شیعی است که جمع‌کنندگی از اهل علم و استادان حوزه علمیه قم و نجف اشرف بر اعلمیت ایشان گواهی می‌دهند. این مرجع تقلید شیعه پس از سقوط رژیم بعث (۲۰۰۳ م) با نقشی اثرگذار وارد فضای سیاسی جامعه عراق شد. ایشان با ورود به مسائل سیاسی عراق طرح جدیدی از سیاست‌ورزی مرجعیت شیعی را به نمایش گذاشت. (شفایی و بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۸۵)

هرچند مرجعیت شیعه در عراق، پیش از این نیز در طول حیات سیاسی عراق در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حاضر شده بود. مرجعیت در طول بیش از یک قرن که از تاریخ حیات سیاسی عراق می‌گذرد همواره پیشتاز مبارزه با استعمار انگلیس و آمریکا و دخالت بیگانگان بوده، ولی فروپاشی رژیم بعث و سقوط دولت صدام‌حسین را می‌توان آغاز حرکتی در راستای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف اسلامی مرجعیت دانست، زیرا جو خفقان شدید سیاسی حاکم بر جامعه سیاسی عراق در طول سال‌های گذشته، فرصت ابراز عقاید مرجعیت را به آنان نداده یا به صورت جزئی بوده است. پس از فوت آیت‌الله خویی، آیت‌الله سیستانی زمام مرجعیت حوزه علمیه را به دست گرفتند. در مدت زمان مرجعیت ایشان تا قبل از سقوط رژیم صدام‌حسین که با حاکمیت حزب بعث همراه بود، ظلم و ستم‌های وحشیانه فراوانی علیه مرجعیت، احزاب مذهبی و به‌طورکلی شیعیان و کردها صورت گرفت، آن‌چنان جو خفقان و ظالمانه‌ای حاکم بود که اندیشه شیعی و مرجعیت برای زمانی، گرفتار عزلت و انزوا شد و فعالیت‌های مراجع، صرفاً به عرصه‌های داخلی و امور حوزوی محدود شد. به شهادت رساندن آیت‌الله سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی، آیت‌الله میرزا علی‌غروی تبریزی، آیت‌الله بروجردی، هفت فرزند آیت‌الله سید محسن حکیم و غیره از نمونه‌های این ستم‌های غیرانسانی است. این خوی غیرانسانی و جو خفقان رژیم بعث سبب شد تا آیت‌الله سیستانی تا قبل از اشغال، حدود ۲۶ سال راه و روش انزوا و عدم حضور در مجالس و محافل را در پیش گرفته، از منزل بیرون نرفتند. آیت‌الله سیستانی در مدت حاکمیت رژیم بعث ضمن عدم ارتباط با جهان خارج، در جهت حفظ و نگهداری حوزه علمیه، دست به اقدامی که سبب تجاوز رژیم بعث به حوزه علمیه شود نزد و به عقیده ایشان، این رفتار بود که سبب شد تا حوزه علمیه نجف حفظ شود. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۰) با فروپاشی رژیم صدام حسین مرجعیت شیعه حوزه نجف از حاشیه به متن آمده و از عزلت به سوی کنشگری مؤثر ظاهر شدند. نقش رهبری و مرجعیت در طول حیات سیاسی عراق چه در زمان حضور انگلستان بعد از فروپاشی دولت عثمانی و چه در زمان اشغال این کشور و چه در زمان حاضر، همواره بااهمیت و تعیین‌کننده بوده است. علمای مذهبی در اوایل سده بیستم که عراق، تحت اشغال نیروهای انگلیسی درآمده بود، در یک جنبش سیاسی ملی درگیر شدند که هدف آن نجات اسلام و مسلمانان از مسیرهای انحرافی استعمارگران بود. در این میان، نجف اشرف، محل مشورت و رایزنی زعمای اندیشمند مذهبی بوده است.

در جامعه سیاسی امروز عراق نیز طیف‌های وسیعی از نیروهای مختلف در سطح داخلی و خارجی و در حد و اندازه‌های مختلف ایفای نقش می‌کند؛ از جمله نیروهای مهم داخلی تأثیرگذار یا به عبارتی، مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار بر روند تحولات عراق، مرجعیت و مراجع به عنوان کنشگری فعال در عرصه ساختار سیاسی جدید عراق هستند. درباره اهمیت مرجعیت

شیعه در عراق همین بس که برگ برنده مرجعیت، در قدرت به صحنه آوردن مردم است و قدرتمندترین قطب سیاسی مطلق در عراق مرجعیت است. (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰) امروزه با اینکه آیت‌الله سیستانی، یکی از مراجع عالی‌قدر عراق، ایرانی‌الاصل است، ولی مقلدان زیادی در سراسر جهان اسلام دارد، هرچند فکر ایجاد مرجع تقلید عربی توسط صدام پیگیری شد، اما به گفته آیت‌الله سیستانی به نتیجه‌ای نرسید؛ درواقع، رژیم بعث از درک این نکته عاجز بود که مرجعیت نمی‌تواند رنگ نژادی به خود بگیرد، زیرا پایه‌های مشروعیت آن روی اصول مذهبی است، مذهبی که نژادهای مختلف به آن باور دارند. به دلیل تمرکز بر روی عقاید مذهبی که مسائل قومی و نژادی در آن نمی‌گنجد، مرجعیت ماهیت فراملی و فرامکانی دارد. امروز نیز به‌رغم ایرانی بودن آیت‌الله سیستانی، وی نه تنها در بین مردم عراق و ایران (عرب، عجم)، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی، مقلدان زیادی دارد و ایشان در مسائل سیاسی حاکم بر جهان اسلام، بدون مقید بودن بر مکان یا زمان و ملیت خاص، بیانیه‌هایی در حمایت از مسلمانان صادر می‌کند و این‌ها حاکی از فراملی، فرازمانی و فرامکانی بودن مرجعیت در این عصر است. در قسمت زیر به بررسی اجمالی اندیشه‌های برخی از شخصیت‌های برجسته مذهبی در کشور عراق می‌پردازیم.

#### ۵-۱. آیت‌الله سیستانی

آیت‌الله سیستانی اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین رهبر مذهبی شیعیان عراق است. آیت‌الله سیستانی در سال ۱۳۴۹ هجری قمری در شهر مشهد متولد شد و پس از آموختن مقدمات و دروس سطح، برای تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۶۸ به شهر قم مهاجرت کرد. وی در سال ۱۳۷۱ از قم به نجف و در سال ۱۳۸۰ به موطن خود در مشهد بازگشت و بالاخره در سال ۱۳۸۱ دوباره به نجف اشرف عزیمت کرده و به تدریس پرداخت. (سبزیان موسی آبادی، ۱۳۸۴: ۱۹) بعد از وفات آیت‌الله خویی در سال ۱۹۹۲، بسیاری از مقلدین آیت‌الله خویی، به توصیه وی عمل کرده و آیت‌الله سیستانی را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کردند. با توجه به اینکه آیت‌الله خویی دارای شبکه گسترده‌ای از نمایندگی‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بود، این مراکز وابسته به ایشان در اختیار آیت‌الله سیستانی قرار گرفت و به این طریق ضریب نفوذ وی در جامعه شیعه بسیار افزایش یافت. علاوه بر این عوامل، جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه عراق ناشی از سه عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق؛ به رسمیت شناخته شدن اعلمیت فقهی آیت‌الله سیستانی؛ و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور. (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸)

آیت‌الله سیستانی با اینکه بعد از فوت آیت‌الله خویی و رسیدن به مرجعیت شیعه در زمان حکومت صدام حسین با توجه به جو خفقان حاکم و تجربه شکست‌های نهضت‌های روحانیون

در تاریخ عراق، سیاست صبر و سکوت را در پیش گرفت و به انزوای سیاسی فرورفت، اما بعد از فروپاشی رژیم بعث به سکوت خود پایان داد و وارد عرصه سیاسی شد. هرچند مرجعیت شیعه در همان سال‌های اختناق نیز قدرت خود را در مصاف با استعمارگران و ستم‌های وارده نشان داده است، اما با ورود اشغال‌گران به خاک عراق و فروپاشی رژیم بعث است که وی با موضع‌گیری‌های صریح و با تدبیر خاص و همچنین پیروی مردم و مسئولین به عنوان یک چهره سیاسی - دینی با نفوذ و قدرتمند ظاهر شد که نمونه‌ای از این قدرت و محبوبیت را می‌توان در بازگشت ایشان از لندن به عراق مشاهده کرد. و امروزه به عنوان پرنفوذترین رهبر کشور شناخته می‌شود. و با اظهارنظرهای مدبرانه، عالمانه و روش منطقی و معقول خود، نه تنها به عنوان یک مرجع قدرتمند در جهان تشیع، بلکه به عنوان یک رهبر سیاسی متنفذ در دنیای سیاسی اسلام. با اینکه ایشان هیچ منصب حکومتی ندارد، ولی به دلیل اقتدار مذهبی و نفوذ کلامی که در میان شیعیان داراست، فرامین وی تا حدودی نقش رأی و تو را بازی می‌کند و دخالت‌ها و مواضع سیاسی وی پس از سقوط صدام، حاکی از اثبات این مدعاست.

طی دو سال اول سقوط صدام که اوضاع عراق آرام‌تر بود، ایشان علاوه بر نقش کلی خود به عنوان مرجع شیعیان، شخصیتی برجسته در تمام عراق و برای تمامی رهبران عراق جدید بود. بارزانی، پاچه‌چی و بسیاری از رهبران عراق با ایشان دیدار داشتند و در بسیاری از امور طرف مشورت و همفکری با آنان بود. این زمان، در نجف سه مرجع تقلید دیگر هم حضور داشتند. آیت‌الله سید محمد سعید حکیم، آیت‌الله محمد اسحاق فیاض و آیت‌الله بشیر نجفی. در تمام این دوران، مرجع مطلق و مطاع آیت‌الله سیستانی بوده و آنان در همه امور مسائل را به ایشان ارجاع می‌دادند. در طول این سال‌ها، هیچ نوع مخالفتی از سوی دیگران حتی از سوی آیت‌الله سید کاظم حائری هم دیده نشد. به عکس ایشان هم مسائل مهم عراق را به آیت‌الله سیستانی ارجاع می‌داد. طبعاً این امر، هم ناشی از ادب مرجعیت موجود در نجف بود و هم به اهمیت مسئله و اعتقاد به درایت و عقل آیت‌الله سیستانی بازمی‌گشت. رهبری جمهوری اسلامی ایران و مراجع تقلید ایران هم بارها و بارها پیروی تمام‌عیار از دیدگاه‌ها و نظرات آیت‌الله سیستانی را در عراق توصیه کردند و همیشه ایشان و نظراتشان را در مسائل عراق مورد تأیید و تأکید قرار می‌دادند، تا آنجا که به دولت ایران مربوط می‌شد، باز هم وضعیت به همین صورت بوده و بسیاری از مسئولان ایرانی که به عراق سفر می‌کردند، به دیدار ایشان شتافته و سعی می‌کردند تا در همه مسائل هماهنگ عمل کنند. (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۱) سر جمع باید گفت آیت‌الله سیستانی با روش معقولی که در تحولات عراق در پیش گرفت و با اظهارنظرهای عاقلانه خود و نیز حرکت در حاشیه برای تأثیرگذاری در متن و نیز اظهارنظرهای عالمانه، نه تنها در حد یک مرجعیت برای شیعه، بلکه به یک چهره سیاسی برتر در عالم سیاست در جهان شناخته شد. با توجه به نقش مرجعیت در عراق، نیویورک تایمز طی سرمقاله‌ای چنین سؤالی مطرح کرد: آیا

امریکا اکنون تا این حد به بهانه‌ای برای اعلام پیروزی و خروج از عراق نیاز مبرم یافته که حاضر شده است به یک حکومت دینی شیعه مشابه ایران رضایت دهد؟ (تلاشان، ۱۳۸۸: ۱۱۹) با مقایسه اهداف اولیه امریکایی‌ها در اشغال عراق با آنچه با مقاومت مرجعیت و حمایت مردم اتفاق افتاد، می‌توان به این نتیجه رسید که مرجعیت نقش عمده‌ای در دولت‌سازی بعد از سرنگونی صدام ایفا کرده است و در حال حاضر از جایگاه ویژه و تأثیرگذاری در روند تحولات عراق برخوردار است.

### ۲-۵. آیت‌الله بشیر نجفی

آیت‌الله بشیر نجفی در طول سال‌های پس از اشغال عراق و سقوط رژیم بعث، به همراه آیت‌الله محمد اسحاق فیاض و محمد سعید حکیم، در مسائل عراق از مرجع مطلق آیت‌الله سیستانی حمایت می‌نمایند و مسائل را به وی ارجاع می‌دهند. از جمله اموری که در رأس اندیشه‌های آیت‌الله بشیر نجفی قرار دارد، دعوت مردم، اعم از شیعه و سنی به وحدت است. از امور دیگری که در اندیشه و مواضع ایشان یافت می‌شود، اعتقاد به حل مسائل عراق توسط خود مردم و اینکه تصمیم‌گیرنده اصلی در اداره حکومت توسط خود ملت عراق مشخص شود. ایشان ضمن عدم حمایت از هیچ‌یک از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، خواهان حضور گسترده مردم در انتخابات عراق و به دست گرفتن امور توسط مردم شد. ایشان همچنین همواره بر ارتباط مستحکم بین ایران و عراق در حوزه‌های مختلف تأکید دارند. آیت‌الله بشیر نجفی در دیداری که با متکی، وزیر امور خارجه ایران داشت، خواستار ارتباط مستحکم‌تر و گسترده‌تر روابط ایران و عراق در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۱۸)

### ۳-۵. آیت‌الله محمد سعید حکیم

آیت‌الله محمد سعید حکیم هرچند معمولاً از مسائل سیاسی روز عراق، دوری می‌گزیند و به فعالیت‌های مذهبی اکتفا می‌نماید، اما به همراه آیت‌الله بشیر نجفی و محمد اسحاق فیاض، دو تن از مراجع مشهور دیگر نجف در موضع‌گیری‌های خود در مسائل عراق از آیت‌الله سیستانی حمایت می‌نمایند و امور را به ایشان ارجاع می‌دهد. در اینجا با بهره‌گیری از مطالب سایت ایشان و اخبار موجود به برخی از اندیشه‌ها و مواضع سیاسی ایشان اشاره می‌کنیم:

الف) توصیه به حفظ وحدت و رعایت حقوق شهروندی: یکی از امور مورد توجه آیت‌الله حکیم، حفظ وحدت در جامعه عراق است، ایشان با توجه به اینکه جامعه عراق از مذاهب و قومیت‌های مختلفی تشکیل شده و علی‌رغم اینکه بیشتر مردم این کشور را شیعیان تشکیل

می‌دهند، همواره به حفظ وحدت و زندگی مسالمت‌آمیز با رعایت حقوق شهروندی تأکید می‌کند.

ب) همسویی با نظرات آیت‌الله سیستانی در امور جاری عراق: آیت‌الله حکیم در مسائل عراق از نظرات آیت‌الله سیستانی حمایت می‌کند و مخالفتی در این زمینه دیده نشده است. از جمله موارد این هم‌سویی را می‌توان در جریان مبارزات انتخاباتی دانست که چهار مرجع عالی حوزه نجف در جریان انتخابات از هیچ گروه، حزب و جریان سیاسی حمایت نکردند و بی‌طرفی خود را در این زمینه اعلام کردند.

ج) حساسیت و پیگیری مسائل جهان اسلام، علاوه بر پیگیری مسائل جاری در عراق: شاهد این مدعا، ملاقات‌ها و بیانیه‌های آیت‌الله حکیم است که در بیانیه‌های مختلف به دفاع از مسلمانان پرداخته و درصد حل آن‌ها همت گماشته است.

د) صبر و شکیبایی در امور جاری عراق: آیت‌الله حکیم، ضمن دعوت مردم به حفظ حقوق یکدیگر، معتقد است که شیعیان در امور عراق باید صبور باشند و صبر، نه تنها از روی احساس، شکستن است، بلکه نشانه شجاعت است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۱۹)

#### ۵-۴. آیت‌الله سید کاظم حائری

آیت‌الله سید کاظم حائری یکی از مراجع شناخته‌شده عراقی و از هم‌درسی‌ها و نیز شاگردان برجسته آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر است. او از سال ۱۹۷۳ م. در شهر قم سکونت دارد و از روحانیان مورد احترام به شمار می‌رود. (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۴۰) آیت‌الله کاظم حائری، خواهان حکومتی همانند ایران در عراق است. او در میان مراجع، علما و کارگزاران ایرانی و نیز عراقی، از جایگاه و وجاهت مثبت و قابل‌قبولی برخوردار است. ایشان با توجه به عدم حضورش در سال‌های متمادی در عراق، همچنان از سوی صدری‌ها به عنوان راهنما شناخته می‌شود و مدارس علمیه‌ای که سید محمدصادق صدر - پدر سید مقتدا صدر - عهده‌دار بودند، بعد از اشغال عراق به توصیه خود آن مرحوم به آیت‌الله سید کاظم حائری واگذار شده است. آیت‌الله حائری معتقد به ولایت‌فقیه است. وی ولایت‌فقیه را استمرار ولایت پیامبر و امام معصوم می‌داند و بعد از پایان یافتن دوره نیابت نواب خاص اربعه، نیابت از امام و ولایت عامه به فقهای واگذار شده است که صفات معینی از جمله فقاقت، کاردانی و کفایت، عدالت و غیره را دارا می‌باشند. البته این ولایت عامه برای فقها، ایشان را هم‌عرض رسول خدا و جانشینان برحقش نمی‌کند که چنین ولایتی برای پیامبر و ائمه ثابت شده است، اما آنچه از ادله ولایت به دست می‌آید، آن است که ولی شرعی، حق تکمیل نقایص و رفع کمبودهای فرد تحت ولایت خود را پیدا می‌کند. ایشان در اثبات ولایت‌فقیه، معتقد است در زمان غیبت، تا آنجا که ممکن است باید در راه برپایی حکومت اسلامی تلاش کرد و این از بدیهیاتی است که با کمترین دقت

از طبیعت اسلام به دست می‌آید. و اینکه در اسلام، ولایت عامه وجود دارد، زیرا رساندن امت به سعادت و رستگاری، جز از طریق تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست و اگر درباره شناخت کسی که دارای مقام ولایت است شک کنیم، کافی است که به مصادیق مسلم و قطعی آن از جمله فقاقت، عدالت، کاردانی و کفایت اکتفا کنیم. وی ضمن تمسک به ادله عقلی برای اثبات ولایت فقیه به روایاتی از جمله مقوله عمر بن حنظله، تویح اسحاق بن یعقوب و غیره تمسک می‌جوید. و ضمن تمسک به ادله عقلی در روایات به آیه «اولی الامر» در صورت غیبت امام نیز استناد می‌کند. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۲) مهم‌ترین ویژگی وی رویکرد مردمی و دوری از مناقشات قدرت‌طلبانه در ساحت اسلامی است. (برنابلداجی، ۱۳۸۳: ۱۷۹) از همین رو، حوزه آیت‌الله سید کاظم حائری در طی سه دهه عمر خود، همواره پیگیر مشکلات توده‌های محروم عراقی و مسائل دینی ایشان بوده است. با توجه به ویژگی‌های سوابق ایشان، احتمالاً در سال‌های آینده، همچنان از داخل ایران، پیگیر مشکلات، مسائل و مطالبات توده‌های مردم عراق خواهد بود. به‌طورکلی، سیاست‌ها و مواضع او در قبال تحولات جاری عراق با جمهوری اسلامی ایران همگرایی بسیاری دارد و در آخرین فتوای خود در مورد جنگ عراق، روحانیان عراقی را به آگاه‌سازی مردم از نقشه شیطان بزرگ فراخواند. (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۶۸)

## ۶. تجزیه و تحلیل

مرجعیت امری مهم در دین اسلام محسوب می‌شود، مراجع و عالمان دینی در میان مسلمانان و پیروان دین مبین اسلام از جایگاهی والا برخوردار هستند. سخنان و رهنمودهای چنین شخصیت‌هایی همواره در طول تاریخ نفوذ بسیاری در میان مردم داشته است، تاریخ، گواهی بر این مدعی است. بسیاری از حوادث و وقایع مهم و تأثیرگذار با رهبری و خط مشی عالمان دینی به وقوع پیوسته است. به عنوان نمونه؛ فتوای مشهور آیت‌الله میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نقش مؤثر علمای نجف در انقلاب مشروطیت و رهبری قیام ۱۹۲۰ مردم عراق علیه بریتانیا توسط آیت‌الله محمدتقی شیرازی و اخیراً نیز نقش مهم علما در جنگ امریکا علیه این کشور از جمله مهم‌ترین رویدادهایی است که حوزه و مراجع مذهبی نقشی پررنگ در آن ایفا کرده‌اند. حوادثی که نشان می‌دهد مردم در بیشتر اوقات پیرو و دنباله‌رو سخنان و عملکرد بزرگان دین هستند و به راهی که آنان مشخص می‌کنند، ایمان دارند و به آن سمت و سو گرایش پیدا می‌کنند.

تمامی این سخنان گویای این مطلب است که در جامعه‌ای همچون عراق که بیش‌ترین میزان جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، شیعیانی که برای مراجع و عالمان دینی خویش احترام و ارزش بسیار قائل هستند، اگر این عالمان دینی نسبت به کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران دیدگاهی مثبت داشته و خواهان روابط دوستانه با آن باشند، این دیدگاه در ذهنیت مردم

عراق و افکار عمومی از تأثیر بسیاری برخوردار است و می‌تواند منجر به شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به کشورمان در میان مردم عراق شود. این همان قدرت نرم و مدیریت اذهان است که جوزف نای به آن اشاره کرده است.

با توجه به بررسی دیدگاه مراجع و عالمان دینی عراق در این پژوهش مشخص می‌شود که، مراجع فوق دارای دیدگاه‌های نزدیک به اهداف جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق و منطقه خاورمیانه هستند و در این زمینه می‌توانند در تصمیمات سیاسی و روابط دیپلماتیک تأثیر بگذارند و به دلیل آنکه آن‌ها معتقد به تقریب و نزدیکی شیعیانمی باشند، می‌توانند بر روابط هر چه بیشتر با جامعه و حکومت شیعی ایران تأکید کنند و سیاسیون را به سمت روابط دوستانه با ایران سوق دهند و به دلیل آنکه خیلی از آن‌ها با علمای ایران از دوره امام خمینی (ره) آشنا بوده‌اند و این آشنایی به روابطی فزاینده در حال حاضر تبدیل شده است، می‌تواند مراجع کشور عراق را به یکی از حامیان ایران در این کشور و حتی سطح منطقه تبدیل کند که با فتواها و بیانات خویش از تصمیمات و رویکردهای سیاسی ایران به عنوان یک حکومت شیعی دفاع کنند و به دلیل آنکه آیت‌الله سیستانی دارای اصالتی ایرانی است و تحولات ایران را پیگیری می‌کنند، همین امر می‌تواند بر دیدگاه‌های ایشان در قبال جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد و در حوزه مسائل مذهبی - سیاسی در جهان اسلام، همچون مواضع ایران در قبال مردم مظلوم فلسطین، حمایت از حزب‌الله لبنان، مخالفت با جنگ‌افروزی‌های امریکا در خاورمیانه، حمایت از اسلام در برابر گروه‌های افراطی و غیره از تصمیمات ایران پشتیبانی کند و به دلیل آنکه ایشان دارای مقلدان بسیاری هستند و در دستگاه حکومتی عراق دارای نفوذ هستند، می‌توانند برخی تصمیمات این کشور را در عرصه مسائل عقیدتی - مذهبی و حتی سیاسی با ایران نزدیک سازند. در این قسمت به نمونه‌های از نزدیکی و همراهی مواضع مراجع مذهبی عراق با سیاست‌ها و رویکردهای ایران پس از سقوط صدام اشاره می‌نماییم:

۱-۶. اشغال عراق: جمهوری اسلامی ایران مخالف اشغال عراق و حضور نیروهای نظامی کشورهای بیگانه در خاک عراق بوده است. آیت‌الله سیستانی صراحتاً نارضایتی‌شان را از اشغال کشوری که بزرگ‌ترین اماكن مذهبی اسلام در آن قرار گرفته است، اعلام کرد: «حضور من در مجامع عمومی نشانی از رضایت از اوضاع جاری کشور است؟ در صورتی که این گونه نیست و من از حضور بیگانگان به شدت ناراضی ام»، به عقیده ایشان «کشور عراق باید به دست ملت عراق و بهترین فرزندان عراق اداره شود و غیر عراقی حق دخالت در سرنوشت عراق را ندارد و مردم عراق نباید تحت سلطه اجنبی فعالیت کنند». (شفایی و بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۹۸)

ایشان با اعتقاد به همبستگی دین و سیاست، پس از اشغال نظامی عراق، مصرانه پیگیر برگزاری انتخابات آزاد، تهیه قانون اساسی عراق و تشکیل دولتی مردمی بودند و با تدابیر ویژه تمامی کارشکنی‌های اشغالگران را در ایجاد اخلال در شکل‌گیری حکومت مردمی و مسلمان عراق

خنثی کردند؛ از این رو، به عنوان یک وظیفه شرعی همواره نسبت به سرنوشت مسلمانان حساسیت داشته و با توجه به آموزه‌های دینی ولایت دشمنان خدا و همراهی با بیگانگان و تسلط کفار بر سرزمین‌های اسلامی را نمی‌پذیرند. بنا به اعتراف روزنامه امریکایی واشنگتن‌پست:

«آیت‌الله سید علی سیستانی، نه تنها جورج بوش و هیچ‌یک از فرماندهان امریکایی در عراق را به حضور نپذیرفت، بلکه آنها را همچون عرسک خیمه‌شب‌بازی کنترل می‌کند... آیت‌الله سیستانی هم‌اکنون قدرتمندترین چهره در عراق است و شیعیان که اکثر جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، قوی‌ترین نیرو سیاسی در عراق هستند و هدایت دولت و وزارت کشور عراق را نیز در دست دارند.» (حسینی، ۱۳۹۳: ۹۹)

۲-۶. مبارزه با تروریسم: یکی از اهداف ایران در منطقه، کاهش فعالیت‌های تروریستی و مبارزه با تروریسم است. تبدیل شدن منطقه خاورمیانه به مکانی امن و به دور از تدروی‌های مذهبی آمال و آرزویی برای دولت‌مردان ایران است. در همین راستا، مراجع تقلید عراق همواره بر مبارزه با تروریسم تأکید داشتند. آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعیان، در دیدار با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، بر لزوم تقویت تلاش‌های بین‌المللی برای رویارویی با تروریسم تأکید کردند. وزیر امور خارجه ایران نیز نسبت به نقش فعال مراجع تقلید در مبارزه با تروریسم و رویارویی با این پدیده تأیید کرده‌اند. آیت‌الله سیستانی، جنگ کنونی این کشور با تروریست‌ها را جنگی سرنوشت‌ساز برای همه عراقی‌ها توصیف کردند، به تعبیر ایشان، جنگ علیه داعش و تروریست، جنگ همه بشریت است، زیرا تروریست‌ها با تفکرات گمراه‌کننده و اقدامات جنایت‌کارانه خود بشریت را هدف قرار داده‌اند. (سیستانی، ۱۳۹۴: ۱)

«مبارزه علیه داعش و وظیفه همه عراقی‌ها است، اما این مبارزه فقط برای عراقی‌ها نیست، بلکه برای تمام دنیاست، زیرا تروریست‌ها کل انسانیت، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی را هدف گرفته‌اند.» (همان)

بدون شک تأکید مراجع مذهبی بر مبارزه با تروریست‌ها و دوری از تدروی مذهبی تأثیر زیادی بر مردم کشور عراق دارد و این امر ایران را در رسیدن به هدف خود که مبارزه با تروریسم و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه است، یاری می‌کند.

۳-۶. وحدت شیعه و سنی و ایجاد امنیت در عراق: ایران با استفاده از نفوذ گسترده و طبیعی خود در میان شیعیان عراق، نقش مهمی در تثبیت امنیت و ایجاد تعادل در عراق جدید ایفا کرد. شرایط جدید فرصت مناسبی برای گروه‌های مختلف شیعی فراهم کرد تا برای اولین بار نه تنها هویت و موجودیت خود را مورد تأکید قرار دهند، بلکه قدرت سایر رقبا از جمله سنی‌ها را متعادل کنند. نقش سازنده ایران در پیگیری سیاست ایجاد تعادل در صحنه قدرت مرکزی و با حضور تمامی گروه‌ها و هویت‌های سیاسی عراق قابل ارزیابی است. ایران همواره سعی کرده تا

با حفظ زمینه‌های وحدت و ثبات از طریق ایجاد تعادل بین گروه‌های مختلف سیاسی در عراق، مانع از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور شود. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۱) اعزام تیمی از وزارت خارجه جهت آرام کردن شیعیان عراق و متعادل کردن مطالبات آن‌ها از جمله مصادیق پیگیری چنین سیاستی بود، زیرا برقراری ثبات هزینه‌های امنیتی ایران را کاهش می‌دهد و زمینه همکاری یا دولت جدید جهت حل مشکلات موجود را فراهم می‌آورد. (سنایی و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۱۷۳) همچنین نقش مؤثر ایران در آرام کردن جنبش شیعیان به رهبری مقتدا صدر و متعاقب آن، تسلیم تسلیحات آن‌ها قابل توجه است. بی‌تردید ایفای این نقش، زمینه‌های بروز جنگ داخلی در عراق را رفع کرد. همچنین، ایران با حمایت و تقویت تمامی تحولات و تصمیمات در قالب روند دولت سازی و ملت‌سازی نقش مهمی در شکل‌گیری عراق جدید ایفا کرد. از جمله اولین اقدامات سازنده ایران، به رسمیت شناختن دولت موقت عراق به رهبری ایلام علاوی علی‌رغم وابستگی شدید به ایالات متحده بود. حمایت از چنین دولتی در شرایطی بود که آمریکا به شدت به برقراری ثبات و امنیت در عراق در جهت از بین بردن ریشه‌های عملیات تروریستی نیاز داشت. ایران همچنین نقش حمایت‌گر در روند برقراری انتخابات عمومی عراق، تشکیل مجمع ملی موقت عراق و دولت موقت داشته است که وظیفه به تصویب رساندن قانون اساسی عراق را بر عهده داشتند. نقش سازنده ایران وقتی بیشتر آشکار می‌شود که علی‌رغم دل‌بستگی طبیعی به نقش بیشتر شیعیان در عراق جدید، ایران به حمایت از تمامی گروه‌های سیاسی در داشتن سهم مساوی در مجلس عراق به خصوص گروه‌های سنی پرداخت که به دلیل عدم مشارکت فعال در انتخابات عمومی دوران انتقالی دارای کرسی‌های کمتری بودند. از سوی دیگر، ایران در تمامی کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه آینده عراق از جمله کنفرانس مهم قاهره حضور و مشارکت فعال داشته و نقش مثبت ایفا کرده است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۱)

بعد از سقوط صدام، مراجع مذهبی این کشور نیز بر اتحاد- مخصوصاً شیعه و سنی- تأکید فراوان داشته‌اند، یکی از اصول مورد تأکید آیت‌الله سیستانی برای حفظ منافع ملت و کشور عراق، تأکید بر وحدت و حفظ یکپارچگی عراق است. ایشان در بیانیه‌های خود این اصل را مورد تأکید قرار داده و هیچ‌گاه بحث تشخیص‌های مذهبی و قومی را مطرح نکرده است، بلکه از عنوان «ملت عراق» استفاده می‌کند. ایشان در همان اوایل در پاسخ به سؤال خبرنگار آسوشیتدپرس گفت که او خواهان مجالی است که در آن حکومت منبعث از اراده تمام شعب و طوایف عراقی باشد. (شفایی و بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۱۰۱) حتی آیت‌الله سیستانی معتقد است که به سنی‌ها برادر نگوئید، بلکه سنی‌ها نفس ما هستند. یا در موضعی چون قانون نفت، انتخابات، امنیت و مسائل دیگر موضع‌گیری ایشان به نحوی است که برای سنی‌ها این حس ایجاد شده

است که مرجعیت دینی واقعاً در پی ایجاد وحدت بین شیعه و سنی است. آیت‌الله حائری نیز با اشاره به خطرات تفرقه و چنددستگی می‌گوید:

«اگر وضعیت به همین شکل باقی بماند، اسلام‌گرایان در عراق از بین خواهند رفت و هیچ‌چیزی باقی نخواهد ماند و آرزوی تحقق یافتن حکومتی اسلامی در عراق، حتی بعد از مدتی از بین خواهد رفت؛» از این رو، وی ضمن گوشزد کردن این خطرات، مردم را به وحدت، اتحاد و تکیه بر نقاط مشترک دعوت می‌کند. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)

آیت‌الله شیخ بشیر نجفی نیز مردم - اعم از شیعه و سنی - را به وحدت دعوت می‌کند. ایشان در پیامی به اولین گردهمایی علمای شیعه و اهل تسنن عراق که تحت عنوان «شیعه و سنی یک دست و یک صدا برای تشکیل عراقی جدید» برگزار شد، تأکید کرد:

«اختلافات در مسائل دینی و دنیوی باید سبب ارتباط بیشتر، گفت‌وگو و تفاهم بین علما شود و دو گروه باید سعی کنند تا به حقیقت برسند نه اینکه همواره بر دشمنی و کینه اصرار ورزند.» ایشان در ادامه تأکید کردند:

«برای در امان ماندن از فتنه‌ها و تفرقه‌های مذهبی و عقب ماندن کشور، باید به وحدت متوسل شویم و یقین داشته باشیم راه نجات، که رضای خداوند و پیامبرش را در بر دارد، اتحاد است و اینکه ملت عراق باید بدانند که کشوری پر از خیر و برکت دارند و باید با انسجام و یکپارچگی از این برکات استفاده کنند.» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

مشکل شیعه و سنی در عراق مشکل مذهبی نیست، بلکه مشکل، مشکل سیاسی است. اهل سنت سالیان سال حکومت را در دست داشتند و تصور می‌کنند که شیعیان دولت را از دست آن‌ها گرفته و نظام سیاسی را شکل داده و حاکم شده‌اند. در حالی که به هیچ‌وجه این‌گونه نیست، یعنی به اندازه سهم جمعیتی، سنی‌ها در دولت، پارلمان، وزارتخانه و در کلیه مناصب حکومتی نمایندگی دارند، ولی به هر ترتیب طیفی که ۱۲۰۰ سال دولت و حکومت در دستشان بود، به این راحتی این موقعیت جدید را نمی‌توانند بپذیرند. به علاوه کشورهای منطقه مدام تحریک و تهدید می‌کنند و واقعیت سیاسی جدید عراق را نمی‌خواهند بپذیرند، مقاومت می‌کنند، ولی شیعیان بین سنی‌ها تفکیک قائل می‌شوند؛ بین آن‌هایی که این پروسه را قبول دارند و با حکومت همکاری می‌کنند و آن‌هایی که کل نظام را مورد هدف قرار می‌دهند و هر روز جنایت می‌کنند. امروزه ملت عراق اذعان دارد که مرجعیت شیعه تنها منافع شیعه را در نظر نمی‌گیرند و منافع کل عراق را پیگیری می‌کند. نمونه آن مسئله نفت است که در واقع یک امتیازی برای شیعیان است، ولی آیت‌الله سیستانی فرمودند نفت عراق برای کل عراق خواهد بود. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۹) ایران منافع ملموس و جاری در عراق دارد. برای دستیابی به منافع ملی، ایران نیاز به کار کردن با یک دولت مرکزی با ثبات در عراق دارد. بی‌ثباتی در عراق ضمن فراهم کردن هزینه‌های امنیتی زیاد برای ایران، منجر به حضور مداوم بیگانگان در منطقه به بهانه حفظ امنیت

منطقه‌ای و نیز جهانی در قالب جنگ علیه تروریسم یا گسترش دموکراسی وغیره می‌شود؛ بنابراین، این امر تعادل طبیعی قوا در منطقه را به ضرر ایران بر هم می‌زند. یک عراق امن، با ثبات، متعادل و متعامل، ضمن تسریع حل مشکلات به‌جامانده دو کشور از زمان جنگ، به ایران به عنوان دوست و همکار در ترتیبات امنیتی جدید منطقه می‌نگرد و در نهایت قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را افزایش می‌دهد.

۴-۶. برگزاری انتخابات در عراق: ایران به چند دلیل خواهان ثبات و برگزاری انتخابات آزاد در عراق بود: اول اینکه عراق یک کشور همسایه بود و بی‌ثباتی در آن می‌توانست به ایران و سایر کشورهای منطقه سرازیر شود. بی‌ثباتی احتمالاً به تجزیه و فروپاشی کشور منجر می‌شد و این به‌طور مسلم به نفع ایران نبود. دوم اینکه در صورت ثبات و برگزاری انتخابات آزاد، شیعیان هوادار ایران به قدرت می‌رسیدند. (اردیزی، ۱۳۹۰: ۷۰) جمهوری اسلامی ایران حمایت از همه دولت‌های عراق پس از صدام و کمک به آن‌ها را در جهت ایجاد ثبات و امنیت در این کشور، در کانون سیاست خارجی خود قرار داده است. در این راستا، جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های تهدید امنیتی در عراق، برقراری و ایجاد ارتباطات محکم با همه گروه‌های عراقی از جمله شیعه، کرد و سنی و حمایت از آن‌ها در اولویت قرار گرفته است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۷)

از زمان سقوط رژیم صدام، آیت‌الله سیستانی دائماً برای برگزاری انتخابات، امریکا را تحت فشار قرار داده بود. به عبارت دیگر، مهم‌ترین وجه اندیشه سیاسی آیت‌الله سیستانی تأکید ایشان بر «تعیین آرای عمومی در سیاست عراق» است. در حقیقت از آغاز فرآیند ترسیم نظام سیاسی جدید عراق، ایشان با در نظر داشت ترکیب قومی-مذهبی و گرایش‌های سیاسی بعضاً متضاد گروه‌های سیاسی عراق، تمام پرسش‌ها درباره آینده عراق را به نظر مردم این کشور احاله می‌کرد. تأکید بر نقش نمایندگان مردم در تدوین قانون اساسی، تأکید بر شرکت مردم در همه‌پرسی قانون اساسی و تأکید بر مشارکت شهروندان عراقی در اولین و دومین انتخابات مجلس این کشور و تشکیل دولت مهم‌ترین محورهای مردم‌سالاری را در اندیشه سید سیستانی نشان می‌دهد. ایشان در پاسخ به سؤال روزنامه واشنگتن‌پست که «ما هی العلقه بین الدین و الدوله»، پاسخ می‌دهد که حکومت از اراده اکثریت نشئت می‌گیرد و احترام به آن واجب است و حکومت نباید هیچ‌گونه مخالفتی با احکام دین اکثریت (اسلام) داشته باشد. آیت‌الله سیستانی در آستانه اولین انتخابات آزاد در این کشور در سال ۲۰۰۴، برای اینکه تمام اقوام و طوایف عراق سهمی در سیاست این کشور داشته باشند، با صدور فتوایی شرکت در انتخابات را واجب دانست و از مردم عراق خواست در تحقق آن به بهترین وجه مشارکت کنند. (شفایی و بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۹۲) ایشان برای تأمین منافع مردم عراق، انتخابات را بهترین گزینه و راهکاری می‌دانست که ملت عراق به وسیله آن بتواند حکومتی را تشکیل دهد که حافظ منافع و مصالح باشد، زیرا در کشوری مانند عراق که ترکیب قومی، طایفه‌ای و مذهبی گوناگونی دارد، نمی‌توان

به هیچ طریقی، جز مراجعه به صندوق‌های رأی، سهم همه طوایف، اقوام و مذاهب را به نحو عادلانه و برابر مشخص کرد و با اصرار و پافشاری آیت‌الله سیستانی بود - هر چند که آمریکایی‌ها در ابتدا به این امر راضی نبودند - که منجر به انتخابات شد. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

همچنین، ایشان در پاسخ به سؤال روزنامه لس‌آنجلس تایمز، که می‌پرسد آیا امکان هیچ‌راهی جز انتخابات وجود دارد؟ می‌فرماید: «هیچ‌راه جایگزینی برای انتخابات وجود ندارد و تنها راه، انتخابات می‌باشد» و این اصرار آیت‌الله سیستانی، باور عمیق به نقش مردم در تعیین سرنوشت کشورشان را می‌رساند و دولت‌های آمریکا و انگلیس هم چاره‌ای جز پذیرش نداشتند، زیرا ایشان با قدرت بسیار زیادی که در بین مردم عراق دارد از راه‌هایی وارد شد که شعار خود اشغالگران بود، یعنی از موضع دموکراسی و حقوق بشر. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) از یک دیدگاه، درخواست آیت‌الله سیستانی برای برگزاری انتخابات دموکراتیک، بیش از آنکه برای ترساندن مقامات آمریکایی ابراز شده باشد، با هدف تلاش برای اعطای قدرت بیشتر به جامعه بزرگ شیعیان عراق و کاستن از قدرت آمریکایی‌ها در عراق صورت گرفته است. آیت‌الله سیستانی به خوبی از این مسئله آگاه است که بهترین راه برای رسیدن اکثریت شیعه عراق به حق و آرزوی دیرینه تاریخی خود برای مشارکت در ارکان تصمیم‌گیری این کشور، برگزاری انتخابات سراسری با مشارکت تمامی مردم عراق برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات سیاسی مختلف این کشور است. وی به خوبی می‌داند که با اتخاذ چنین رویه‌ای می‌توان نقش و جایگاه فراموش‌شده شیعیان را با صلابت و قدرت هرچه بیشتر در آینده عراق گنجانند. (سبزیان موسی‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۱) به عبارتی، مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمامی اقوام و پیروان مذاهب مختلف طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ همراه شد وی را به الگوی بی‌بدیلی برای طرفداران مردم‌سالاری تبدیل کرد و اشغالگران را وادار کرد تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی روند مردم‌سالارانه پیشنهادهای ایشان را بپذیرند.

۵-۶. حمایت از قانون اساسی جدید عراق: جمهوری اسلامی ایران همواره از برگزاری انتخابات سالم در عراق و انتخاب مسئولان توسط مردم این کشور حمایت می‌کرد. پس از برگزاری انتخابات نیز، نمایندگان منتخب مردم قانون اساسی را متناسب با مذهب و موقعیت کشور خود تدوین کردند. قانون اساسی جدید عراق، زمینه‌های ورود بعضی‌ها را به قدرت نمی‌دهد و به دلیل آنکه این گروه با ایران دارای ضدیت هستند این گزینه به نفع ایران است. از طرف دیگر، قانون جدید اسلام را منبع اصلی قانون‌گذاری در کشور عراق می‌داند و در اصل دیگر این قانون، کلیه قوانین و مقررات در کشور بایستی با اصول قانون اساسی انطباق داشته باشند؛ بنابراین، کلیه قوانین مصوب در کشور، بایستی بر اساس موازین اسلامی باشند.

تلاش برای تدوین هرچه سریع‌تر قانون اساسی و برگزاری انتخابات سراسری در به دست گرفتن حاکمیت توسط عراقی‌ها از اصول برنامه‌های شیعیان بود که با فشارهای سیاسی و تبلیغاتی شیعیان به ویژه تأکیدات آیت‌الله سیستانی، امریکایی‌ها مجبور شدند پروسه تدوین قانون اساسی را سریع‌تر در دستور کار قرار دهند. امریکا ابتدا در نظر داشت با ایجاد یک حکومت نظامی به مدت چهار سال هدایت تحولات این کشور اشغال‌شده را به دست گیرد، اما با شکست این راهبرد، یک مجلس حکومتی انتصابی در عراق تشکیل داد. امریکا در ادامه برنامه‌ریزی خود با این استدلال که برگزاری انتخابات عمومی نیازمند قانون متقن دارد که اساساً وجود نداشت، در تلاش بود تا همین مجلس حکومتی با تشکیل یک کمیسیون تحت عنوان کمیسیون تدوین قانون اساسی، با همکاری و مشاوره مشاوران مورد نظر امریکا، قانون اساسی عراق را تدوین کرده و در نهایت به آرای عمومی بگذارد. در حالی که آیت‌الله سیستانی اظهار داشته بود نیروهای اشغالگر از هیچ‌گونه شایستگی برای تعیین اعضای مجلس نگارش قانون اساسی برخوردار نیستند، ابتدا باید انتخابات عمومی برگزار شود تا از این طریق هر عراقی واجد شرایط، نماینده مورد نظر خود را برای نگارش قانون اساسی تعیین کند، آنگاه قانون اساسی به وسیله این مجلس تدوین شده برای تصویب نهایی به فراندوم عمومی گذاشته شود. (احمدی و حائری، ۱۳۸۹: ۲۰) از منظر آیت‌الله سیستانی در قانون اساسی هیچ عنصر دیگری مانند دین نمی‌تواند پیونددهنده جامعه‌ای باشد که بیش از ۹۷ درصد مردم آن مسلمان‌اند؛ بنابراین، ایشان با انتقال نظرهای خود به تدوین‌کنندگان قانون اساسی، گام بزرگی برای گنجاندن دین در امور سیاسی و اینکه اسلام دین رسمی کشور باشد و هیچ قانون مغایر با قوانین اساسی به تصویب نرسد؛ بنابراین، زمانی که اعلام شد کارشناسان امریکایی و انگلیسی قانون اساسی عراق را خواهند نوشت، واکنش جدی آیت‌الله سیستانی را برانگیخت. ایشان در فتوای دو صفحه‌ای اعلام کرد که فقط از قانون اساسی‌ای حمایت خواهد کرد که نمایندگان مردم عراق بنویسند. (شفایی و بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۹۸) در آن ایام تیتراژ روزنامه‌های امریکا این بود که «آقای سیستانی به بوش درس دموکراسی می‌دهد.» (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۰) شیعیان با تمام گروه‌هایشان دنباله رو فتوای سیستانی بودند، آیت‌الله سیستانی در به حرکت درآوردن هزاران تن از مریدان خود در مطالبه انتخابات موفق بود، از این رهگذر تظاهرات مردمی بی‌نظیری در حمایت از برگزاری انتخابات به نمایش درآمد. گروه بحران بین‌المللی<sup>۲</sup> که در گزارش خود با رأی سیستانی نیز مخالف بود، بیان می‌کند که احزاب دینی شیعی شامل مجلس اعلا، تمام طیف‌های حزب الدعوة، و حتی نیروهای مقتدی صدر که اختلافات عمیق با دیگر گروه‌های شیعه داشتند، با فتوای آیت‌الله سیستانی موافق بوده‌اند، پس از این اقدامات، ابتدا قانون اساسی موقت عراق در تاریخ مارس ۲۰۰۴م، مقارن با ۱۸ اسفند ۸۲، تقدیم شد و قانون اساسی دائم نیز در همه‌پرسی روز ۱۵ اکتبر/۲۳ مهر تحت تدابیر شدید امنیتی با حضور حدود

۹ میلیون واجد شرایط برگزار شد و در ۲۵ اکتبر/۳ آبان نتایج نهایی همه‌پرسی اعلام شد و در آن ۷۸ درصد از شرکت‌کنندگان به قانون اساسی رأی آری دادند و بالاخره عراق پس از ده سال صاحب یک قانون اساسی دائم و دموکراتیک شد. این وضعیت امیدواری‌ها برای احیای حقوق شیعیان و واگذاری امور به مردم عراق را بیشتر کرد. (احمدی و حائری، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱)

امروزه در قانون اساسی عراق با تلاش مرجعیت شیعه، اسلام به عنوان دین رسمی کشور و منبعی برای تدوین قوانین که نمی‌توان بر خلاف آن، قانونی را وضع کرد، ذکر شده است. مطابق ماده دو قانون اساسی عراق، «اسلام، دین رسمی کشور و یک منبع اساسی قانون‌گذاری است» و در ماده دو اضافه شده که «هیچ قانونی که مغایر با احکام بی‌چون و چرای اسلام باشد، نمی‌تواند تصویب شود.» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) در ماده سوم این قانون، از عراق به عنوان بخشی از جهان اسلام نام برده شده است. همچنین در این قانون آمده است که شهرهای مقدس عراق همانند کربلا، نجف، کاظمین و سامرا از خصوصیت دینی ویژه‌ای برخوردار هستند و نیز باید شعائر حسینی به عنوان یک آزادی دینی و مذهبی برای شیعیان به رسمیت شناخته شود. همچنین آمده است که احوال شخصی هر فردی تابع مذهب اوست. این در حالی است که قبلاً فقه حنفی که ۱۷ یا ۱۸ درصد از ملت عراق بر طبق آن عمل می‌کردند، در عراق اجرا می‌شد. قانون یادشده حقوق اقلیت‌های عراق را به رسمیت شناخته و احترام ویژه‌ای برای اسلام در نظر گرفته است. برخی از کارشناسان با ملاحظه این قانون اظهار می‌داشتند مگر می‌شود کشوری که آمریکا آن را اشغال کرده است، چنین قانون اساسی و بر اساس اسلام داشته باشد. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۰) گرچه توقع شیعیان اسلام محور در تبیین جایگاه اسلام از جمله شناخته شدن اسلام به عنوان تنها منبع قانون‌گذاری به علت مخالفت برخی جریان‌های داخلی (اکراد و جریان‌های لائیک) و کشورهای ذی‌نفوذ (امریکا و انگلیس) محقق نشد، اما غیرمجاز تلقی شدن تدوین قوانین در تعارض با احکام ثابت اسلامی و همچنین دیگر موادی که اشاره شد، دال بر موفقیت جریان‌های اسلام‌گرا در گنجاندن سطح قابل قبولی از خواسته‌های آن‌ها است که این امر می‌تواند از شکل‌گیری عراق با هویتی غیرواقعی یا مخالف با اعتقادات اسلامی مردم این کشور جلوگیری کند. (آیتی، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۵) اما اینکه چه کسی باید در مغایرت قوانین با اسلام و اصول دموکراتیک تصمیم گیرنده باشد، در ماده ۹۰، یک دادگاه عالی فدرال پیش‌بینی شده است که وظایف آن، از جمله شامل: نظارت بر تطابق قوانین و مقررات ثابت یا قانون اساسی و تفسیر متن قانون اساسی است. این دادگاه از شماری قاضی و کارشناسان فقه و حقوق تشکیل می‌شود. در قانون اساسی مصوب، حضور شش فقیه در این نهاد تثبیت شد. تعداد و نحوه گزینش آن‌ها توسط قانونی خواهد بود که با دو سوم آرای اعضای مجمع ملی مشخص و

تصویب می‌شود. با توجه به اعضای پارلمان می‌توان احتمال داد دادگاه، رنگ اسلامی بیشتری خواهد داشت. (مریجی، ۱۳۸۷: ۳۳۷-۳۳۶)

از طرف دیگر در قانون اساسی موقت عراق، با شیوه‌های گوناگون سعی شده است نفوذ عوامل اصلی رژیم یعنی سابق در ارکان اساسی نظام فعلی جلوگیری شود، زیرا از نگاه حاکمان فعلی، آن‌ها تهدیدی برای اصول و ارزش‌های شناخته‌شده در قانون اساسی و نوع حکومت فعلی به شمار می‌آیند؛ برای نمونه در مواد ۳۱، ۳۶ و ۳۹ قانون اساسی موقت عراق، اعضای اصلی حزب بعث عراق، حق نامزد شدن برای مجمع ملی، انتخاب در شورای ریاستی و نخست‌وزیری را ندارند؛ بنابراین، با شیوه‌های گوناگون سعی کرده‌اند امکان اعاده رژیم سابق یا حتی کارشکنی آن‌ها در سیستم جدید حکومتی را مسدود کنند. (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۲۱) مفاد قانون اساسی جدید عراق، ظرفیت‌های بازیگری و نقش‌آفرینی ایران را در عراق افزایش می‌دهد و برخی موانع که در زمان صدام وجود داشت، از سر راه ایران برداشته شده است.

### نتیجه‌گیری

در عصر حاضر و با توجه به اهمیت یافتن پرستیژ بین‌المللی، مشروعیت عمومی، اقبال جهانی افکار عمومی و اعتماد سایر بازیگران، کاربرد قدرت نرم رو به افزایش نهاده است، و بخش مهمی از منابع قدرت نظام‌های سیاسی را قدرت نرم تشکیل می‌دهد. یکی از کشورهایی که جمهوری اسلامی ایران در آن دارای منابع متعددی برای افزایش و بازتولید قدرت نرم است، کشور عراق است و با توجه به اهمیت استراتژیک این کشور (همسایگی با ایران، ذخایر نفتی و گازی، راه ارتباطی و غیره)، بررسی عراق به‌مثابه یکی از کشورهایی که برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد، ضروری است. کشور عراق و ایران دارای روابط تاریخی گسترده‌ای هستند که دارای فراز و فرودهای بسیاری بوده است به‌گونه‌ای که در برخی ادوار تاریخی روابط عادی داشته‌اند و در برخی مقاطع حساس مثل دوران زعامت صدام حسین، روابط خصمانه‌ای از سوی عراق علیه ایران اعمال شد. درعین حال پس از سقوط رژیم بعث عراق و ورود به دوران جدیدی از حیات سیاسی عراق، روابط سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فی‌مابین دو کشور وارد مرحله نوینی شده است که برای ایران مفید خواهد بود. ایران به دلیل مجاورت مذهب، روابط فرهنگی و اشتراکات قومی، پیوندی ناگسستنی با عراق دارد. بر همین اساس است که در سطح تحلیل منطقه‌ای و گستره قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور، کشور ما از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالا و به مراتب بهتری نسبت به رقبای خود بهره‌مند است. وجود امتیازاتی چون هم‌آیینی و هم‌کیشی؛ قرابت جغرافیایی؛ اشتراکات فرهنگی-تاریخی؛ اشتراکات زبانی و قومی با برخی از اقوام، حضور ایرانیان مقیم که ایران را به عراق و غیره پیوند داده است، بسترهای مناسبی را جهت آمال و

تأثیرگذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور فراهم کرده است. بر همین اساس، تأکید بر مشترکات می‌تواند در توسعه همگرایی بیشتر فرهنگی میان ایران و عراق تأثیر به‌سزایی داشته باشد. همگرایی فرهنگی با این کشور می‌تواند موازنه‌های مثبتی را به سود ایران در مجامع بین‌المللی رقم زند و این کشور را بیش از پیش در مدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد؛ از این رو، همگرایی فرهنگی و تأکید بر مطالعات متقابل بین فرهنگی و تمدنی ایران با عراق به عنوان پیش‌شرط لازم برای همگرایی فرهنگی، برآورنده منافع سیاسی ایران در قبال اتخاذ رویکردی فرهنگی است؛ بنابراین، باید به‌گونه‌ای ظریف و هوشمندانه اقدام به تقویت قدرت ایران از طریق اقدامات نرم‌افزاری در عراق کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین بیش‌ترین منابع قدرت نرم ایران در کشور عراق، تشابهات فرهنگی و تاریخی بین دو کشور است. به همین دلیل، در این پژوهش در حوزه فرهنگی-مذهبی به بررسی مهم‌ترین مقولات از جمله مذهب تشیع، حوزه علمیه و نقش علما و مراجع دینی در افزایش قدرت نرم ایران در عراق پرداخته شد. دیدگاه و نگرش عالمان دینی این کشور و همچنین نقش آن‌ها در افزایش میزان قدرت نرم ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به مطالب ذکرشده در این پژوهش این فرضیه اثبات شد که دیدگاه و نگرش مثبت عالمان دینی و شخصیت‌های برجسته کشور عراق از جمله آیت‌الله سیستانی، نسبت به ایران و تمایل به برقراری روابط دوستانه و حسنه فی مابین دو کشور در شکل‌دهی به اذهان عمومی مردم این کشور و در نتیجه افزایش قدرت نرم ایران از نقشی مثبت برخوردار است. مسئولان و مقامات ایران با وقوف و آگاهی نسبت به این امر باید اقدامات مناسبی جهت حفظ و نگهداری چنین دیدگاه مثبت و افزایش روابط بین مقامات، علما و روحانیون دو کشور را انجام دهند.

## یادداشت‌ها

1. Attractive
2. Formless Power
3. ICG: International Crisis Group

## کتاب‌نامه الف - کتاب

۱. احمدی، سید عباس؛ موسوی، الهام سادات، (۱۳۸۹)، جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، چاپ اول.
۲. امیر عبداللهیان، حسین، (۱۳۸۶)، دموکراسی متعارض ایالات متحده امریکا در عراق جدید، تهران: انتشارات مدیا، چاپ اول.
۳. آیتی، علیرضا، (۱۳۹۱)، عراق، کانون تأثیرگذار، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۴. برزگر، کیهان، (۱۳۸۷)، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.
۵. برنابلداجی، سیروس، (۱۳۸۳)، روند دولت‌سازی در عراق نوین؛ بایسته‌ها و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران، نامه دفاع (۵)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی - معاونت پژوهش، چاپ اول.
۶. برنابلداجی، سیروس، (۱۳۹۱)، عراق نوین و بایسته‌های استراتژیک ایران، تهران: به نقل از پرتال جامع علوم انسانی، قابل دسترسی در: <http://www.ensani.ir/fa/content>
۷. بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ هفتم.
۸. بیکی، مهدی، (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی، چاپ دوم.
۹. تافلر، آلون، (۱۳۷۰)، جابجایی در قدرت (دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست‌ویکم)، ترجمه شهین دخت خوارزمی، جلد اول، تهران: نشر نو، چاپ اول.
۱۰. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
۱۱. جمال‌زاده، ناصر، (۱۳۸۷)، «نقش بسیج در تولید و توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، زندگانی سیاسی شهید سید محمدباقر صدر (با تکیه بر تأثیرگذاری بر انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۱۳. حسینی، سیده مظهره، (۱۳۸۷)، «نقش بسیج در تولید امنیت نرم»، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۴. دکمجیان، هرایر، (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
۱۵. رشاد، افسانه، (۱۳۹۰)، شاخص‌ها و کارکردهای قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نامه دفاع (۴)، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، چاپ اول.
۱۶. ساعد، نادر، (۱۳۹۰)، «جنگ نرم و نظام حقوقی بین‌المللی»، در جنگ نرم در عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۷. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ دوازدهم.
۱۸. فولر، گراهام؛ فرانک، هرندرحیم؛ (۱۳۸۴)، شیعیان عرب: مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول.
۱۹. گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
۲۰. مریجی، شمس‌الله، (۱۳۸۷)، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۱. نای، جوزف و دیگران، (۱۳۸۹)، فرسایش قدرت نرم، مردم، دولت‌ها و اعتماد، ترجمه سعید میرترابی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۲۲. هالستی، کی. جی، (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۲۳. هیوود، اندرو، (۱۳۸۶)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس، چاپ اول.

## ب- مقالات

۲۴. احمدی، سید عباس، (۱۳۸۶)، «جغرافیای شیعه: نگاهی به پراکنش جغرافیایی شیعیان»، نشریه جام هفته، تهران، بی‌نا، سال نهم، شماره ۳۸۲، ۱۲-۲.
۲۵. احمدی، فرج‌الله؛ قزوینی، حائری، (۱۳۸۹)، «فرآیند تدوین قانون اساسی عراق»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان، ۱۹-۳۷.

۲۶. اردیزی، فرج‌الله، (۱۳۹۰)، «قدرت نرم ایران در عراق»، فصلنامه عملیات روانی، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۹-۱.
۲۷. امیری، علی، (۱۳۸۵)، «شهید مصطفی خمینی و حوزه علمیه نجف»، ماهنامه یاران، تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، شماره ۱۲، ۱۷-۱۹.
۲۸. امیری، مهدی، (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم» (معرفی کتاب)، فصلنامه راهبرد دفاعی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۲۰۵-۲۱۷.
۲۹. ایزدی، حجت‌الله، (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۷-۳۰.
۳۰. برنابلداجی، سیروس، (۱۳۸۳)، «شیعیان عراق، بررسی وضعیت جامعه‌شناختی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۷، ۱۴۷-۱۸۵.
۳۱. سیستانی، سیدعلی (۱۱ مهر ۱۳۹۴)، «آیت‌الله سیستانی خواستار گسترش مبارزه با داعش شد»، باشگاه خبرنگاران جوان، تهران: معاونت خبر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۵۳۴۳۲۷۵، گروه بین‌الملل، ۱.
۳۲. پسندیده، محمود، (۱۳۷۹)، «نگاهی گذرا به حوزه علمیه نجف اشرف»، مجله شکوه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، شماره ۶۸ و ۶۹، پاییز و زمستان، ۱۱۱-۱۱۹.
۳۳. پیشگامی‌فرد، زهرا و دیگران، (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال بیستم، شماره ۶۱، زمستان، ۱۹۱-۲۱۲.
۳۴. تلاشان، حسن، (۱۳۸۹)، «دورنمای ژئوپلتیک شیعه در عراق»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم: موسسه شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز، ۱۰۹-۱۲۸.
۳۵. حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ عارف‌نژاد، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، «نشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، سال ششم، شماره ۴، ۴۱-۷۴.
۳۶. حسینی، سید ابراهیم، (۱۳۹۳)، «تبیین نظریه ولایت فقیه با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله سیستانی»، فصلنامه معرفت سیاسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان، ۸۳-۱۰۴.
۳۷. خواجه‌سروی، غلامرضا؛ رحمانی، مریم، (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره ۳، ۲۹-۵۸.

۳۸. داداندیش، پروین؛ احدی، افسانه، (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال سوم، شماره ۱، بهار، ۱۴۳-۱۷۳.
۳۹. دادفر، سجاد، (۱۳۸۹)، «تأملی بر یکی از چالش‌های حوزه علمیه نجف در قرن بیستم»، فصلنامه مطالعات تاریخی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، شماره ۲۸، ۹۶-۱۱۵.
۴۰. رضایی، حسن، (۱۳۸۹)، «عراق جدید، شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، قم: جامعه المصطفی العالمیه (مجتمع آموزش عالی امام خمینی ره)، شماره ۳، بهار، ۷-۱۹.
۴۱. زهره کاشانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، «تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم (تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل پیدایش و شکوفایی)»، فصلنامه تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان، ۴۵-۷۴.
۴۲. سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا، (۱۳۸۴)، «سقوط صدام و تأثیر آن بر جنبش اسلامی در عراق»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، اصفهان: دکتر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده (رئیس دانشکده علوم اداری و اقتصاد)، سال هفدهم، شماره ۲، بهار، ۱-۳۰.
۴۳. سجادی‌پور، محمدکاظم، (۱۳۸۳)، «ایران و بحران بین‌المللی عراق: چالش‌ها و واکنش‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه، سال هجدهم، شماره ۴، زمستان، ۷۹۹-۸۲۶.
۴۴. سنایی، اردشیر؛ عبدالله‌پور، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «رویاریبی ایران و امریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران: دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، سال دوم، شمارگان ۹-۸، ۱۵۸-۱۸۷.
۴۵. شفایی، امان‌الله؛ بهروزی‌لک، غلامرضا، (۱۳۹۲)، «نقش امام موسی صدر و آیت‌الله سیستانی در انسجام سیاسی جمامعه چندفرهنگی لبنان و عراق»، فصلنامه علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ۶۱-۸۲.
۴۶. عطارزاده، مجتبی؛ خانی، اعظم، (۱۳۹۲)، «فرصت‌ها و چالش‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات جهان اسلام، تهران: دانشگاه شاهد، سال اول، شماره دوم، پاییز، ۱۱۵-۱۳۸.
۴۷. غلامی قمی، مصطفی، (۱۳۸۶)، «نقش شیعیان و رهبران مذهبی عراق در تحولات سده اخیر»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، شماره ۷، ۱۶۷-۱۹۴.

۴۸. قاسمی، فرج‌الله، (۱۳۸۸)، «مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، تهران: انجمن علوم سیاسی ایران، سال دوازدهم، بهار، شماره ۱، پیاپی ۴۵، ۱۱۱-۱۴۲.
۴۹. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ بشیری، سعید؛ علیزاده، جواد، (۱۳۹۴)، «نقش مرجعیت آیت‌الله سیستانی در روند دولت‌سازی در عراق پس از سقوط صدام»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دوره ۸، شماره ۳۰، ۹۰-۱۱۱.
۵۰. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۰)، «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، تهران: سازمان بسیج اساتید، سال اول، شماره ۱، ۷-۳۶.
۵۱. قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۹)، «تقدم الهام‌بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان ج.ا.ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۶۵-۱۴۷.
۵۲. کمالی سرپلی، عبدالقادر، (۱۳۸۸)، «سیر تاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، سخن تاریخ، قم: مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی، شماره ۷، ۵۸-۷۴.
۵۳. متقی‌زاده، احمد، (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، تهران: سازمان بسیج اساتید، پیش‌شماره ۲، ۱۰۵-۱۲۷.
۵۴. محقق، سید عدنان، (۱۳۸۹)، «نقش و کارکرد فراطایفه‌ای مرجعیت شیعه در عراق معاصر»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۳، ۵۵-۷۲.
۵۵. محمدی، علی‌اصغر، (۱۳۸۳)، «شیعیان عراق؛ آرمان‌ها، واقعیت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۷، ۱۸۷-۲۱۰.
۵۶. ملکی، محمدرضا؛ رازقندی، انسیه، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، فصلنامه علوم سیاسی، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره ۱۶، ۱۰۷-۱۳۲.
۵۷. نای، جوزف، (۱۳۸۳)، «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سید رضا میرطاهری، فصلنامه راهبرد دفاعی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال دوم، شماره ۶، ۳۵-۴۶.
۵۸. واعظی، محمود، (۱۳۸۷)، «تعامل ایران و آمریکا در عراق»، پژوهش‌نامه سیاست-خارجی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۵، شهریور، ۱۹-۴۲.
۵۹. وحیدی، موسی‌الرضا، (۱۳۸۶)، «فرا تکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۸)، ۷۲۴-۶۹۷.

ج) انگلیسی

60. Ahmadi, Seyed Abbas (2010), "The Role of Religion in expanding of the sphere of influence; (Case Study: Shi ism and Iran), *Geopolitics Quarterly*, Vol. 6, No. 1.
61. Armistead, Leigh (2004), *information operatio: warfare and the Hard Reality of soft power*, Washington, Brassy.
62. Baldwin, D. (2003), "power and international Relations", in W. Carlsanes et al. (Ed), *Handbook of V Relations*, London, sage.
63. Nye, Joseph (2002), *the paradox of American power: why the world's only superpower can't go it alone*, New York, oxford university press.